

گونه‌شناسی انتقادی دیدگاه‌ها درباره تاریخ و چگونگی پیدایش تشیع

محسن الویری*

چکیده

تاریخ و چگونگی پیدایش تشیع، از دیرباز در منابع تاریخی و کلامی مسلمانان و سپس در آثار مستشرقان مورد توجه بوده و در سال‌های اخیر هم با انگیزه‌هایی غیرعلمی در انواع منابع مکتوب و چندرسانه‌ای، دیدگاه‌هایی در این باره مطرح شده است. شیعیان با توجه به پیوند این بحث با هویت خود، کوشیده‌اند دیدگاه‌های ناصواب را نقد، و دیدگاه مورد پذیرش خود را ارائه کنند. این نوشتار با استفاده از تکنیک گونه‌شناسی، پس از دسته‌بندی دیدگاه‌ها، می‌کوشد با روش‌های متعارف نقد آنها را نقد، و دیدگاه برگزیده خود را پیشنهاد نماید. این دیدگاه با تکیه بر تمایز بین وجود یک اندیشه و بروز اجتماعی آن، بیان می‌دارد که بنیان‌های اندیشه شیعی که بر مدار امامت می‌چرخد، به‌مثابه بخشی گسست‌ناپذیر از آموزه‌های اسلامی، هم‌زاد قرآن و سنت نبوی است و از عصر پیامبر ﷺ وجود داشته، ولی بروز اجتماعی آن به تدریج و در عصر حضور معصومان ﷺ صورت گرفته است.

واژگان کلیدی

امامیه، شیعه، اثنی‌عشریه، گونه‌شناسی، تاریخ تشیع، پیدایش تشیع.

مقدمه

با گسترش چشمگیر شیعه‌پژوهی در سه دهه اخیر، یکی از موضوعاتی که در کانون توجه نویسندگان قرار گرفته، خاستگاه و چگونگی پیدایش این آیین است. این موضوع از دیرباز در منابع تاریخی و

alvirim@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۱/۸/۱۰

*. استادیار دانشگاه باقرالعلوم ﷺ.

تاریخ دریافت: ۹۱/۵/۱۷

کلامی مسلمانان، به‌ویژه در کتاب‌های ملل و نحل مورد بحث بوده و در دوران معاصر نیز به یکی از موضوعات اصلی مورد اهتمام مستشرقان شیعه‌پژوه تبدیل شده است.^۱ در یکی - دو دهه اخیر هم، به‌ویژه در فضاهای مجازی مرتبط با برخی کشورهای اسلامی، نکاتی در این زمینه با رویکردی ناهمدلانه و کینه‌توزانه و اغلب با انگیزه‌هایی غیر علمی و سیاست‌زده و همراه با تعصبات کور مذهبی، مطرح شده و می‌شود. شاید معطوف به همین فعالیت‌ها، در چند سال اخیر در داخل کشور، چند پژوهش شایسته اعتنا در این زمینه صورت گرفته است.

موضوع تاریخ و چگونگی پیدایش تشیع، اکنون تنها یک پرسش تاریخی نیست، بلکه به پرسشی هویتی تبدیل شده است؛ بدین معنا که شیعیان با نوع پاسخ به این پرسش، از هویت خود دفاع می‌کنند و پاره‌ای از غیر شیعیان نیز با نوع پاسخ خود به این پرسش، در پی نشان دادن هویتی متفاوت برای شیعیان هستند.

این نوشتار بر آن است تا با مروری بر مهم‌ترین دیدگاه‌ها درباره پیدایش تشیع و گونه‌شناسی و بررسی انتقادی آنها از منظر تاریخی و یا روش‌شناختی، امکان پیشنهاد تازه‌ای درباره پیدایش تشیع را مورد سنجش قرار دهد.

روش تحقیق و تکنیک پردازش داده‌ها

مقاله حاضر در درجه اول یک نوشته تاریخی و محکوم ضوابط و قواعد روش متعارف تحقیق تاریخی است؛ به این معنا که هریک از دیدگاه‌ها درباره پیدایش تشیع را به‌مثابه یک گزاره تاریخی و به عبارت دقیق‌تر، یک گزاره مربوط به یک رویداد تاریخی در نظر گرفته و کوشیده است به مدد دیگر گزاره‌های تاریخی، به نتیجه‌ای روشن درباره سازگاری یا ناسازگاری آن دیدگاه با واقعیت بیرونی دست یابد. شایان ذکر است یکی از دشواری‌های پژوهش درباره تاریخ تشیع به‌صورت عام و تاریخ پیدایش تشیع و تاریخ تشیع در دوره‌های نخستین خود به‌صورت خاص، افزون بر مواردی مانند کمبود نسبی منابع، در هم آمیختگی این مباحث با اندیشه‌های کلامی است که چه در مرحله پژوهش و چه در مرحله دآوری درباره پژوهش‌ها همواره رخ می‌نماید.

۱. برای انعکاس این بحث در منابع ملل و نحل، ر.ک به: آقانوری، *خاستگاه تشیع و پیدایش فرقه‌های شیعی در عصر امامان*، فصل دوم برای رد پای این بحث در آثار مستشرقان، به‌عنوان نمونه ر.ک به: الویری، «نقد نظریه‌ای در پیدایش شیعه اثنی عشریه»، *فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق*، ش ۲، زمستان ۱۳۷۴، ص ۵۲ - ۵۱؛ نیز بخش‌های گوناگون این کتاب: حسینی، *شیعه پژوهی و شیعه پژوهان انگلیسی‌زبان*، و نیز رزاقی موسوی، *بررسی سیر مطالعات شیعی در غرب انگلیسی‌زبان در یک‌صد سال اخیر و نیز:*

Kohlberg, "Western Studies of Shi'a Islam", *Shi'ism Resistance and Revolution*, Lewis, "The Shi'a in Islamic History", *Shi'ism Resistance and Revolution*.

این مقاله باورمند و پایبند به آموزه‌های تشیع است؛ ولی کوشیده است تا این باور پیشینی خود را زمینه درون‌فهمی^۱ موضوع تحقیق قرار دهد و از طریق مبنا قرار دادن یک معیار واحد در رویارویی با هریک از گزاره‌های تاریخی، باور خود را به‌صورت سنجیده و یکسان در گزینش و سنجش داده‌ها دخالت دهد و به اعتبار یافته‌ها و تحلیل خود لطمه نزند.

تکنیکی که در این مقاله برای پردازش داده‌ها مورد استفاده قرار گرفته، روش گونه‌شناسی^۲ است. گونه‌شناسی یکی از تکنیک‌های رایج در علوم انسانی است، ولی به‌عنوان یک ابزار تحقیق و نیز ابزاری برای بالا رفتن میزان دقت ما در مواجهه با پدیده‌های مختلف، در همه علوم رواج دارد و هیچ دانشی را نمی‌توان بی‌نیاز از آن شمرد.

مراد از گونه‌شناسی، شناخت گونه‌های مختلف یک پدیده و به بیانی دقیق‌تر، طبقه‌بندی روشمند پدیده‌هایی است که به یک خانواده و مجموعه وابسته هستند و در مقایسه و نسبت‌سنجی با دیگر اعضای این مجموعه، در یک یا چند ویژگی یا رفتار، وجه مشترک دارند و در وجه دیگر از هم متفاوت هستند، گونه‌شناسی یعنی مشخص ساختن همین اشتراک‌ها و افتراق‌ها براساس یک معیار خاص عینی یا ذهنی.^۳ فرایند قرار دادن پدیده‌ها در گونه‌های مختلف را گونه‌بندی^۴ و گاه طبقه‌بندی^۵ می‌خوانند.

«تکنیک گونه‌شناسی» کم‌وبیش در بخش‌هایی از دانش منطق، به‌ویژه در مبحث تحلیل و تقسیم مورد توجه حکمای مسلمان نیز بوده است. جرجانی (۸۱۶ ق) در کتاب *التعريفات* تقسیم را افزودن قیده‌های مختلف به یک شیء، به‌گونه‌ای که از هریک از آنها یک قسم (گونه) پدید آید، تعریف کرده است.^۶ همین تعریف مورد پذیرش ملاصدرا (۱۰۵۰ ق) هم بوده و وی آن را به‌معنای افزودن قیود مختلف به مقسم واحد تفسیر و به‌کار برده است.^۷

۱. اصطلاح آلمانی «Verstehen» که در زبان انگلیسی در بیشتر موارد اصطلاح «Understanding» را برای آن به‌کار می‌برند. در این زمینه رک به: راد، *درون‌فهمی؛ تحلیل منطقی و معناشناختی برخی از مفاهیم اساسی علوم اجتماعی*، ج ۱، به‌ویژه ص ۱۶۷ - ۱۶۰.

2. Typology.

۳. برای بحث‌هایی در این زمینه و نیز فرق گونه‌شناسی با قشربندی و سنخ‌شناسی رک به: توسلی، *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، ص ۱۴۲؛ نیک‌گهر، *میانی جامعه‌شناسی و معرفی تحقیقات کلاسیک جامعه‌شناسی*، ص ۹۲؛ بیرو، *فرهنگ علوم اجتماعی*، ص ۴۳۵؛ باقرآباد، *گونه‌شناسی* در: <http://aghorbani.blogfa.com/post-37.aspx> در ۹۱/۳/۳۰ و نیز: <http://en.wikipedia.org/wiki/Typology> و [http://en.wikipedia.org/wiki/Typology_\(theology\)](http://en.wikipedia.org/wiki/Typology_(theology)) و <http://www.thefreedictionary.com/typology> همگی در ۹۱/۴/۱۲.

4. Typification.

5. Classification.

۶. ضم قیود متخالفة بحيث يحصل عن کل واحد منهم قسم. (الجرجانی، *کتاب التعريفات*، ص ۲۹)

۷. صدرالدین شیرازی، *الحکمة المتعالیه فی الاسفار الاربعه*، ج ۶ ص ۱۸.

ابن بهریر (۸۶۰ ق) با الهام از ارسطو و پیوند دادن بحث تقسیم با کتاب مقولات ارسطو، به دقت انواع هفت‌گانه‌ای را برای تقسیم نام برده است^۱ تفاوت تحلیل و تقسیم هم در کتاب دیگری مورد بحث قرار گرفته است.^۲

نکته‌ای که در اینجا باید بدان توجه کرد اینکه، تقسیم در دانش منطق رایج نزد مسلمانان، یک فرایند و عملیات ذهنی است؛ به این معنا که یک اندیشمند موضوعی را به مثابه مقسم در نظر می‌گیرد و با افزودن قیده‌های مختلف، خود آن را به گونه‌های مختلف تقسیم می‌کند، صرف‌نظر از اینکه آیا به‌راستی این گونه جدید، تحقق بیرونی دارد یا نه، و یا کسی آن را باور دارد یا نه. اما گونه‌شناسی در علوم اجتماعی بیشتر ناظر به واقعیت بیرونی است و از طریق کنار هم نهادن واقعیات مختلف - که این واقعیات می‌تواند هر چیزی از جمله دیدگاه‌های مختلف درباره یک موضوع باشد - و تشخیص همسانی‌ها و ناهمسانی‌های آنها حاصل می‌شود و با منطقی روشن و روشمند آنها را به دسته‌های گوناگون تقسیم می‌کند. با این وجود دقت نظر حکمای مسلمان در بحث تقسیم می‌تواند در شکل دادن به فهمی تازه از گونه‌شناسی و چاره‌اندیشی برای پاره‌ای ابهام‌ها و پیشنهاد روش‌هایی نو بسیار سودمند باشد.

با توجه به آنچه ذکر شد، اکنون می‌توان پذیرفت گونه‌شناسی یکی از بهترین روش‌ها برای شناخت اجزا و ابعاد و اطراف یک پدیده و تمیز و تفکیک پدیده‌ها از یکدیگر و جلوگیری از تعمیم‌های ناروا و در نتیجه، شناخت دقیق‌تر حقایق و واقعیت‌هاست.

کاربرد تکنیک گونه‌شناسی در تحقیقات تاریخی و امکان و کاربرد آن، شایسته بحث‌ها و تحقیقات و تدقیقات دیگری است؛ ولی در قلمرو نیاز این مقاله و بدون نیاز به تأملات بیشتر هم می‌توان دیدگاه‌های مربوط به پیدایش تشیع را گونه‌شناسی کرد. دسته چهارم از انواع تقسیم از نظر ابن بهریر، نامی است که بر اشیای مختلف گذاشته می‌شود.^۳ هر چند مثالی که او ذکر می‌کند، مربوط به عینیات است، ولی این نوع تقسیم را برای مفاهیم ذهنی هم می‌توان به کار گرفت. در این مقاله، «دیدگاه درباره پیدایش تشیع» نامی است که به گزاره‌های مختلف درباره پیدایش تشیع داده شده است. با گردآوری این گزاره‌ها و تقسیم آنها به دسته‌های مختلف و سپس نقد و بررسی آنها، در پی دست یافتن به حقیقت هستیم.

۱. ابن بهریر، *حدود المنطق*، ص ۱۰۱.

۲. شرح المصطلحات الفلسفیه، ص ۵۲؛ و برای بحثی دیگر در این زمینه ر. ک به: التهانوی، *کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم*، ج ۱، ص ۴۹۸ - ۴۹۷ ذیل «مدخل التقسیم» و ج ۲، ص ۱۳۱۹ - ۱۳۱۷ ذیل «مدخل القسمة».

۳. و الرابع کالاسم الواقع علی اشیاء مختلفة، کاسم الکلب الواقع علی کلب البرّ و کلب الماء و الکلب المصور [و المنحوت و الرجل و کلب الجبار]. (ابن بهریر، *حدود المنطق*، ص ۱۰۱)

امامیه، شیعه، اثناعشریه

پیش از ورود به بحث، سزاوار است برای روشن شدن محور اصلی بحث و تبیین دقیق‌تر مسئله تحقیق، به توضیحی فشرده درباره چند مؤلفه اصلی پرداخته شود. وقتی از پیدایش تشیع سخن می‌گوییم، روشن است که با توجه به تعدد فرقه‌های شیعی، باید مشخص ساخت کدام فرقه از فرق شیعه موردنظر است. جوهره چندشاخه شدن مسلمانان پس از رحلت پیامبر ﷺ اختلاف‌نظر درباره جانشینی بلافاصله آن حضرت و یا چگونگی انتقال امامت (جانشینی بافاصله) بود. نوبختی در آغاز کتاب *فرق الشیعه* تلویحاً ریشه همه اختلافات از زمان رحلت پیامبر ﷺ بدین سو را اختلاف در امامت برشمرده است.^۱ شهرستانی نیز بر این باور است که در طول تاریخ اسلام، هیچ شمشیری به اندازه‌ای که برای امامت از نیام بیرون آمده، برای امری دیگر برکشیده نشده است.^۲

با توجه به تعدد و تنوع گروه‌هایی که معتقد به امامت بلافاصله امیرالمؤمنین علی ﷺ بودند، برای تمایز این گروه‌ها از یکدیگر، یا نام‌هایی جدید وضع و یا لفظ شیعه با صفتی همراه شد؛ از رواج نام‌هایی مانند فطحیه و واقفیه و شیعه زیدیه و شیعه اسماعیلیه می‌توان به‌عنوان نمونه‌هایی در این زمینه یاد کرد. سه اصطلاح امامیه، شیعه و اثناعشریه هم از جمله تعابیری است که گاه به یک معنا و گاه به معانی متفاوت در منابع مختلف به کار رفته‌اند.^۳ بر این اساس، شیعه اثناعشریه یا شیعه دوازده‌امامی، یکی از فرقه‌هایی است که ذیل عنوان عمومی شیعه قرار می‌گیرد. نوبختی که یکی از قدیم‌ترین منابع را درباره فرق شیعه پدید آورده است، شیعه را به مفهوم مطلق قائلین به امامت امیرالمؤمنین علی ﷺ می‌داند^۴ و بدون اینکه به صراحت نامی از اثنی عشریه ببرد، فرقه‌ای به نام امامیه را که با مفهوم امروزی اثنی عشریه تطبیق می‌کند، به‌عنوان یکی از سیزده فرقه پدیدآمده پس از امامت امام حسن عسکری ﷺ معرفی می‌کند.^۵ در کتاب *المقالات و الفرق* هم شیعه علویه به مفهوم مطلق پیروان امیرالمؤمنین تا زمان شهادت امام حسین ﷺ^۶ و امامیه به‌عنوان یکی از فرقه‌های شیعه به‌گونه‌ای منطبق با مفهوم اثنی عشریه معرفی شده است.^۷

۱. النوبختی، *فرق الشیعه*، ص ۳.

۲. شهرستانی، *الملل و النحل* ج ۱، ص ۱۶؛ درباره معیارهای کلامی پیدایش فرق رک به: آقائوری، *خاستگاه تشیع*، ص ۲۵ - ۲۲.

۳. درباره دیگر تعابیر و اصطلاحات، در بخش هویت مطلوب و هویت منسوب سخن خواهیم گفت.

۴. النوبختی، *فرق الشیعه*، ص ۴.

۵. همان، ص ۱۵۷ - ۱۴۶، گروه دوازدهم امامیه.

۶. الاشعری قمی، *کتاب المقالات و الفرق*، ص ۷۰.

۷. همان، ص ۱۰۶ - ۱۰۲.

اما در متون سده‌های بعد، شاهد دسته‌بندی و مرحله‌بندی دیگری هستیم. عبدالقاهر بغدادی، امامیه را در کنار زیدیه و کیسانیه و غلات، از اصناف چهارگانه روافض برشمرده^۱ و اثناعشریه را یکی از پانزده فرقه ذیل امامیه معرفی کرده است.^۲ وی در بحث تفصیلی از این پانزده فرقه،^۳ از اثناعشریه سخنی به‌میان نیاورده است. فرقه‌شناس پرآوازه دیگر این دوران، یعنی شهرستانی نیز امامیه را یکی از فرق پنج‌گانه شیعه شمرده^۴ و امامیه را به‌تفصیل نسبی معرفی کرده است؛^۵ در عین حال تأکید می‌کند که امامیه نیز خود به دسته‌های مختلف تقسیم می‌شوند:

ثم ان الامامية لم يلبثوا في تعيين الائمة بعد الحسن و الحسين و علي بن الحسين علي رأي واحد بل اختلافاتهم اكثر من اختلافات الفرق كلها.^۶

این واقعیت را نیز نمی‌توان انکار کرد که در تاریخ بیش از دو و نیم قرن حضور ائمه شیعه علیهم‌السلام، همواره فرقه‌هایی نو، ظهور می‌یافتند که برخی بی‌اینکه خوش بدرخشند، زوال می‌یافتند و برخی دیگر چند صباحی در صحنه می‌ماندند و تعدادی اندک نیز دیرپاتر بودند و عمری دراز یافتند؛ ولی با این وجود، این سخن شهرستانی مبالغه‌آمیز و غیر واقعی به‌نظر می‌رسد. البته در دو کتاب *فرق الشیعه* نوبختی و *المفالات و الفرق* اشعری به‌خوبی می‌توان با سیر تشکیل فرقه‌های مختلف، به‌ویژه پس از رحلت هریک از امامان شیعه علیهم‌السلام آشنا شد.^۷

به هر حال شهرستانی اثناعشریه را یکی از انواع امامیه شمرده^۸ و نام ائمه اثناعشریه را این‌گونه ذکر کرده است: مرتضی، مجتبی، شهید، سجاد، باقر، صادق، کاظم، رضی، تقی، نقی، زکی، الحجه و القائم و المنتظر.^۹ طبیعی است که سه نام اخیر، هر سه نام امام دوازدهم علیه‌السلام است و اشاره به سه نفر ندارد. دور نیست که این شیوه نوشتن، تصحیف مستنسخان باشد.

در دوران معاصر نیز در مفهوم امامیه وحدت نظر و رویه وجود ندارد؛ گاه امامیه به مفهوم عام

۱. البغدادی، *الفرق بین الفرق*، (بی‌تا)، ص ۲۱.

۲. همان، ص ۲۳.

۳. همان، ص ۷۲ - ۵۳.

۴. شهرستانی، *الملل و النحل*، ج ۱، ص ۱۹۵.

۵. همان، ص ۲۲۳ - ۲۱۸.

۶. همان، ص ۲۲۳.

۷. جدولی سودمند و راهگشا از فرق شیعه در اهم منابع و کتب مشهور ملل و نحل در آقائوری، خاستگاه تشیع، ص

۷۴ - ۷۳ آمده است.

۸. شهرستانی، *الملل و النحل*، ج ۲، ص ۵.

۹. همان.

معتقدان به امامت بلافصل حضرت علی بن ابی‌طالب (ع) و فرزندان او و اعم از اثناعشریه،^۱ و گاه مترادف با اثناعشریه به کار رفته است. به عنوان مثال، *دائرة المعارف اسلام* ذیل مدخل امامیه بی‌اینکه مطلبی درج نماید، خوانندگان خود را به مدخل اثناعشریه ارجاع داده است.^۲ شاید به تبعیت از این منبع بوده که *دائرة المعارف بزرگ اسلامی* نیز این دو را یکی شمرده است. البته در منبع اخیر، مدخل اثناعشریه به مدخل امامیه ارجاع داده شده است.^۳

واژه امامیه در زبان عامه مردم ایران در زمان حاضر، کاربرد زیادی ندارد و شاید برای بسیاری از مردم، واژه‌ای نامأنوس و مبهم باشد؛ اصطلاح اثناعشریه یا دوازده امامی نیز گرچه مفهومی روشن دارد، اما متداول نیست. امروزه مطلق کلمه شیعه، بدون هیچ قیدی به مفهوم شیعه اثناعشریه (دوازده امامی)، کاربردی فراوان و قابل درک دارد. البته فقها و متکلمان شیعه نیز کلمه امامیه را گاهی به مفهومی اعم از همه شیعیان، ولی در بیشتر موارد مترادف با شیعه اثناعشریه در متون خود به کار می‌برند. به هر حال مراد از تشیع در این مقاله، تشیع اثناعشری است و اگر به تبع منابع کلامی و ملل و نحل، گاه اصطلاحات دیگری هم به کار رفته، همواره همین معنا موردنظر است. بدیهی است گرایش‌های خرد و فرعی تشیع اثناعشری نیز موردنظر ما نیست.^۴ تاریخ پیدایش بسیاری از فرقه‌های اصلی شیعه مانند زیدیه و فطحیه و واقفیه روشن است، ولی پیدایش تشیع اثناعشری محل بحث‌ها و گفتگوهای مختلف شده است. این نوشتار نیز به همین موضوع اختصاص دارد.

شاید یادآوری این نکته خالی از لطف نباشد که واژه «شیعه» امروزه در برابر اهل سنت به کار می‌رود و شاید کلان‌ترین تقسیم‌بندی مسلمانان، تقسیم‌بندی آنها به شیعه و سنی باشد که همان گونه که پیش از این هم ذکر شد، جوهره این تقسیم‌بندی، چگونگی اعتقاد به امامت است. در نوشته‌های معاصرین، گاه این دیدگاه مبنا قرار گرفته که تقسیم مسلمانان به شیعه و سنی تنها براساس تفاوت‌های سیاسی محض صورت پذیرفته است^۵ و گاه جوهره این تقسیم‌بندی را در پیوند با اعراب شمال و جنوب تبیین کرده‌اند؛^۶ گروهی از مستشرقان نیز رابطه کلان شیعه و سنی را با

۱. به عنوان نمونه ر.ک به: کولبرگ، «از امامیه تا اثنی عشریه»، *فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)*، ش ۲، زمستان ۱۳۷۴، ص ۲۲۰ - ۲۰۱؛ مشکور، *فرهنگ فرق اسلامی*، ص ۶۷

2. *Encyclopedia of Islam*, V 3, p. 119.

۳. *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۱۰، مدخل امامیه.

۴. برای آگاهی از دسته‌بندی پنج‌گانه شیعیان در عصر صادقین (ع) (شیعه سیاسی و مردمی، فقیهان معتدل، متکلمان شیعه، غالیان، مفوضه یا غلات درونی) ر.ک به: شفیعی، «دسته‌بندی‌های شیعیان در عصر صادقین (ع)»، *فصلنامه شیعه‌شناسی*، سال چهارم، ش ۱۵، پاییز ۱۳۸۵، ص ۲۳۳ - ۱۹۹.

۵. جعفری، *تشیع در مسیر تاریخ*، ص ۱۵.

۶. همان، ۲۶.

رابطه پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها و یا رابطه سامی‌ها و آریایی‌ها همانند ساخته‌اند که البته این همانندسازی از سوی برخی دیگر از مستشرقان نقد و نفی شده است.^۱ بی‌تردید با هیچ‌یک این تقسیم‌بندی‌ها نمی‌توان هم‌آوایی داشت.^۲

در تعریف تشیع اثناعشری نگارنده بر این باور است که در نگاهی کلی می‌توان گفت تشیع اثناعشری در موضوع امامت^۳ عبارت است از اعتقاد به:

- اختصاص جانشینی همه‌جانبه پیامبر ﷺ، جز در دریافت وحی پس از رحلت ایشان به

امیرالمؤمنین علی ﷺ و یازده فرزند منتخب او.

- برگزیده شدن جمله این ائمه ﷺ از طریق نصب.

- برخورداری این ائمه از عنایات ویژه خداوندی در همه صفات و ویژگی‌های پیامبر ﷺ، جز در

دریافت وحی.

- اعلام نصب ائمه ﷺ از طریق نص به مردم.

- غیبت دوازدهمین امام ﷺ.

- وجود پیوند ولایی بین پیروان ائمه با آنها و ضرورت تعمیق آن.^۴

هویت مطلوب و هویت منسوب

اگر در گستره‌ای وسیع‌تر به منابع مختلفی که از تشیع و شیعیان یاد کرده‌اند، بنگریم، با واژگان و

1. Bernard, "The Shi'a in Islamic History", *Shi'ism Resistance and Revolution*, p. 21-30.

۲. سزاوار است در کنار اصطلاح پرکاربرد و قابل دفاع شیعه، ما شیعیان در تعبیر خود از تعبیر مکتب اهل‌بیت ﷺ هم بیش از پیش بهره گیریم. از یک سو مکتب اهل‌بیت ﷺ تمام مفهوم موردنظر از شیعه را دربر دارد و از سوی دیگر، نیازمند توضیح و تقیید برای تمایز فرق مختلف شیعی نیست و از بار سلبی پاره‌ای گرایش‌های شیعی در طول تاریخ بری است. نیز با توجه به جایگاه بی‌بدیل و بالمنازع اهل‌بیت ﷺ در جهان اسلام، از رویکرد تقریبی بیشتری برخوردار است و در تعامل با برادران اهل‌سنت، جایگاهی پذیرفته‌تر دارد.

۳. برای آگاهی از دیگر دیدگاه‌ها و اعتقادات شیعیان، ر.ک به: الصدوق، *الاعتقادات*؛ المفید، *تصحیح اعتقادات الامامیه*؛ الطوسی، *العقائد الجعفریه*؛ مظفر، *عقائد الامامیه*؛ کاشف‌الغطاء، *العقائد الجعفریه*؛ موسوی زنجانی، *عقائد الامامیه الاثنی عشریه*؛ الامین، *عقاید الامامیه (المجلد الاول و الثاني لأعیان الشیعه)*؛ السبحانی، *الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه*؛ فیاض، *پیدایش و گسترش تشیع*، ص ۲۱۷ - ۱۶۸؛ پاکتچی، مدخل «امامیه» در *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، ج ۱۰، ص ۱۶۱ - ۱۶۰؛ برای آگاهی از سیر اندیشه‌های کلامی و تطور علم کلام، ر.ک به: همان، ص ۱۶۷ - ۱۶۳؛ جعفریان، *اطلس شیعه*، ص ۱۳ - ۱۲ به نقل از کتابی به‌نام *معتقد الامامیه* که در قرن هفتم به زبان فارسی در ترجمه بخش کلامی *غنیة النزوع* ابن‌زهره حلبی (۵۸۵ ق) نگاشته شده است.

۴. جای سوگمندی است که درباره این آموزه بنیادی تشیع، برخلاف آموزه‌های پیشین، منابع اندکی در دست است و مهم‌ترین منابع اعتقادی شیعیان، ویژه تبیین و تشریح و پاسخ به شبهات چهار آموزه نخست است. شاید هنوز مناسب‌ترین نوشته در این زمینه، کتاب مرحوم شهید مطهری با عنوان *ولاءها و ولایتها* باشد. (ر.ک به: مطهری،

مجموعه آثار، ج ۳، ص ۳۰۷ - ۲۵۳.

اصطلاحات بیشتری مواجه می‌شویم که شیعه را به آنها نامیده‌اند. افزون بر امامیه، شیعه و اثناعشریه، این واژگان را هم می‌توان به این سیاهه افزود: رافضه، ملاحده، قمرطی، باطنی، مؤمن، مستبصر و موافق.^۱ نکته مهم درباره این نام‌گذاری‌ها، بار ارزشی مثبت و یا منفی نهفته در آنهاست که ریشه در روحیه و نگاه کسی دارد که این نام را نهاده است؛ اگر نام‌گذار دل در گرو محبت شیعه داشته و یا دلش تهی از کین بوده است، آن را به نام‌هایی با بار ارزشی مثبت یاد کرده است و اگر دلی بی‌مهر داشته، نام‌هایی با بار ارزشی منفی بر شیعه نهاده است. این نام‌ها و نام‌گذاری‌ها ابزاری برای ابراز هویت است. اینکه هویت شیعی چیست و از چه مؤلفه‌هایی تشکیل شده است،^۲ مقوله‌ای است و اینکه چه کسی درباره هویت شیعی سخن می‌گوید و در پی برشمردن مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن است، مسئله دیگری است. به اعتقاد نویسنده کتاب شیعیان عرب؛ مسلمانان فراموش شده:

شیعیان افزون بر عناصر درونی هویت که طبیعتاً از عقاید و اعمال مشترکشان ناشی می‌شوند، یک هویت منسوب نیز دارند؛ یعنی عناصری از هویت که دیگران به شیعیان نسبت داده‌اند. در قرن نهم، جریان غالب مسلمانان سنی به شیعیان برچسب رافضی یا «ردکننده» زدند؛ با این استدلال که آنها پس از وفات پیامبر، روند جانشینی وی را نپذیرفتند و یک‌سره مبنای مشروعیت سلسله‌های حکومتی مسلمانان را رد کردند ... افزون بر این، تردیدی نیست که این برچسب تلویحاً به بدعت‌گذاری اشاره دارد و نشان‌دهنده رد آموزه‌های غالب اسلامی (سنی) و احتمالاً انحراف مذهبی است، و البته از «الرافضه» (آنان که نپذیرفتند) تا «المرفوضون» (کسانی که پذیرفته نشدند) که مبین طرد شیعیان از بدنه اصلی امت اسلام است، گامی کوتاه بیش نیست.^۳

مؤلف تبصرة العوام هم به‌زیبایی به این بحث اشاره کرده است. او در باب چهارم کتاب که به اصل فرق اسلام و مقالات ایشان اختصاص دارد، با اشاره به اینکه ریشه همه فرق اسلامی به دو فرقه سنی و شیعه برمی‌گردد، چنین نگاشته است:

بدان که اصل این هفتاد و سه فرقت، دو است و هریک را دو نام است؛ یکی محمود و دیگر مذموم. اما اصل اول، قومی که ایشان خود را اهل سنت و جماعت خوانند، این نام محمودست و خصم ایشان را نواصب خوانند و این نام مذموم است. اصل دوم قومی که

۱. برای مباحث واژه‌شناختی، از جمله ر.ک به: نوری، «ویژگی‌های جریان تشیع در عصر نبوی ﷺ»، شیعه‌شناسی، سال پنجم، ش ۱۷، بهار ۱۳۸۶، ص ۷۱ - ۷۰.

۲. در این باره ر.ک به: الویری، تأملاتی پیرامون چیستی هویت؛ جوهره فرهنگی سند چشم‌انداز، مجموعه مقالات همایش ملی سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ (ظرفیت‌ها و بایستگی‌ها؛ چالش‌ها و فرصت‌ها)، ج ۱، ص ۵۴۸ - ۵۲۹؛ فولر، شیعیان عرب؛ مسلمانان فراموش شده، فصل اول: به‌ویژه ص ۵۱.

۳. همان، ص ۵۳ - ۵۲.

ایشان خود را شیعه و اهل ایمان خوانند و خصم^۱ ایشان را روافض خوانند و این اسم نزد خصم، اسم ذم است.

بحث هویت مطلوب و هویت منسوب و یا به قول مؤلف تبصرة العوام نام محمود و نام مذموم، یکی از عوامل مؤثر بر دیدگاه‌های مربوط به پیدایش تشیع است که در ادامه به چگونگی اثرگذاری آن اشاره خواهد شد.

تقسیم‌بندی دیدگاه‌ها درباره تاریخ پیدایش تشیع

معیار اصلی موردنظر این مقاله برای تقسیم‌بندی و گونه‌شناسی دیدگاه‌های مربوط به پیدایش تشیع، زمان پیدایش تشیع است؛ گرچه زمان پیدایش اغلب با معیارهای دیگری مانند معیار کلامی و اعتقادی هم پیوند خورده است. در تقسیم‌بندی‌های فرعی هم طبعاً معیارهای دیگری مدنظر قرار گرفته‌اند که با مروری بر تقسیم‌بندی زیر، به آسانی قابل تشخیص هستند. تقسیم دیدگاه‌ها به دیدگاه‌هایی که برای پیدایش تشیع منشأ درون‌دینی یا بیرونی قائل‌اند، در بیشتر مصادیق خود برآمده از همان نکته‌ای است که درباره هویت مطلوب و هویت منسوب بیان شد.

دیدگاه‌ها درباره تاریخ پیدایش تشیع^۲ به دو دسته کلی پیدایش تشیع در مقطعی خاص و پیدایش تشیع در یک بازه زمانی، قابل تقسیم است و هریک از این دو گونه اصلی، شامل گونه‌های فرعی متعددی به شرح زیر است:

الف) پیدایش شیعه در مقطعی معین

یک. دیدگاه‌های پیدایش شیعه در عصر پیامبر ﷺ.

۱. دیدگاه متن‌محور برپایه استدلال به کاربرد واژه شیعه از سوی پیامبر ﷺ.

۲. دیدگاه رویدادمحور برپایه استدلال به پاره‌ای اقدامات پیامبر ﷺ مانند ماجرای یوم‌الدار و غدیر.

۳. دیدگاه شخص‌محور برپایه استدلال به رفتار متفاوت امیرالمؤمنین علی ﷺ و طرف‌داران او در عصر پیامبر ﷺ.

۴. دیدگاه جامعه‌محور برپایه استدلال به تضادهای موجود در جامعه نخستین اسلامی.

۱. حسنی رازی، تبصرة العوام فی معرفة مقالات الانام، ص ۲۸ توجه به این جمله مؤلف تبصرة العوام را مرهون آقانوری، خاستگاه تشیع، ص ۷۹ - ۷۸ هستم.

۲. در میان منابع معاصر، شاید یکی از قدیمی‌ترین منابعی که دیدگاه‌های مختلف درباره پیدایش تشیع را گرد آورده است، کتاب جهاد الشیعه فی العصر العباسی الاول، نگاشته سمیره مختار اللیثی است. این موضوع اکنون در بسیاری از منابع مورد توجه قرار گرفته است.

۵. دیدگاه عقل‌محور برپایه استدلال عقلی بر سرشت و اقتضای دعوت نبوی و به‌هم پیوستگی نبوت و امامت.

۶. دیدگاه اندیشه‌محور برپایه استدلال به وجود اندیشه و فهمی متمایز از اسلام و سیره نبوی در زمان حضور پیامبر ﷺ در مقایسه با دیگر فهم‌ها و برداشت‌ها از اسلام و سیره نبوی.

۷. دیدگاه دین‌محور برپایه استدلال به یکسانی اندیشه شیعی با دین اسلام و نادرست بودن تعبیر پیدایش تشیع.

دو. دیدگاه‌های پیدایش تشیع در دوران پس از پیامبر ﷺ

۱. دیدگاهی که معتقد است تشیع منشأ درون‌دینی دارد:

۱ - ۱. پیدایش تشیع در روز رحلت پیامبر ﷺ.

۲ - ۱. پیدایش شیعه در پی ماجرای سقیفه.

۳ - ۱. پیدایش شیعه در عصر خلافت عثمان.

۴ - ۱. پیدایش شیعه در ماجرای قتل عثمان.

۵ - ۱. پیدایش شیعه در عصر خلافت امیرالمؤمنین علی ﷺ.

۶ - ۱. پیدایش شیعه در ماجرای جنگ جمل.

۷ - ۱. پیدایش تشیع بعد از ماجرای حکمیت.

۸ - ۱. پیدایش تشیع به دنبال شهادت امام حسین ﷺ.

۹ - ۱. پیدایش تشیع پس از کشته شدن مختار در کوفه.

۱۰ - ۱. پیدایش تشیع در عصر امام صادق ﷺ.

۱۱ - ۱. پیدایش تشیع در عصر غیبت صغرا.

۱۲ - ۱. پیدایش تشیع در عصر آل‌بویه.

۲. دیدگاهی که معتقد است تشیع منشأ برون‌دینی دارد:

۱ - ۲. پیدایش تشیع به‌دست عبدالله بن سبأ.

۲ - ۲. پیدایش تشیع به‌دست ایرانیان.

ب) پیدایش شیعه در گذر زمان و به‌صورت تدریجی

یک. دیدگاه منعکس‌شده در مقاله «از امامیه تا اثناعشریه»؛ پیدایش تدریجی تشیع اثناعشری متأثر از بحران‌های اندیشه‌ای و فشارهای سیاسی در بازه زمانی قرن

نخست اسلامی تا قرن چهارم از سوی متکلمان شیعه.
 دو. دیدگاه قابل برداشت از کتاب «مکتب در فرایند تکامل»؛ پیدایش تدریجی تشیع
 اثناعشری متأثر از بحران رهبری سیاسی و پرسش‌های اعتقادی در بازه زمانی قرن
 نخست اسلامی تا قرن چهارم هجری از سوی محدثان و متکلمان شیعه.
 سه. دیدگاه منعکس‌شده در مدخل امامت *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*؛ آگاهی تدریجی و
 طبیعی و بدون برنامه‌ریزی قبلی علما و متکلمان امامیه به یک اعتقاد باسابقه مبتنی بر
 غیبت یکی از امامان خود و پایان یافتن سلسله امامت به شخص امام دوازدهم علیه السلام و
 آغاز عصر غیبت.

نقد و بررسی دیدگاه‌ها

اکنون سزاوار است این دیدگاه‌ها مورد بررسی قرار گیرد تا آشکار شود آیا می‌توان یکی از آنها را
 به عنوان دیدگاهی مطابق واقع و شایسته دفاع برگزید، یا باید چاره‌ای دیگر اندیشید و دیدگاهی نو
 پیشنهاد کرد.

الف) پیدایش شیعه در مقطعی معین

همان‌گونه که اشاره شد، این دیدگاه را می‌توان به دو دسته اصلی تقسیم کرد: دیدگاه‌هایی که قائل
 به پیدایش شیعه در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و دیدگاه‌هایی که قائل به پیدایش شیعه در مرحله پس از رحلت
 پیامبر صلی الله علیه و آله هستند.

یک. پیدایش شیعه در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله

پیروان این دیدگاه که اکثریت شیعیان هستند، تأسیس شیعه را نه تنها در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله بلکه
 به دست ایشان می‌دانند. این نظریه را تعداد قابل توجهی از اندیشمندان معاصر مطرح کرده‌اند.^۱ این

۱. آتام در مقاله «نظریه پیدایش تشیع در زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله»، *سخن تاریخ*، ش ۳، تابستان ۱۳۸۷، ص ۲۲ - ۴
 باورمندان به این دیدگاه را معرفی کرده است: کاشف‌الغطاء، *اصل الشیعه و اصولها*، ص ۲۰؛ مظفر، *السقیفه*،
 ص ۶۰ - ۲۸؛ زین عاملی، *الشیعة فی التاريخ*، ص ۳۴؛ مغنیه، *الشیعة فی المیزان*، ص ۲۴؛ نعمه، *روح التشیع*،
 ص ۳۰؛ گلپینارلی، *مذاهب اسلامی و تشیع در مسیر تاریخ*، ص ۳۱ - ۲۶. این نویسندگان مستندات این دیدگاه را در
 آثار خود آورده‌اند. دیدگاه پیدایش تشیع در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله به اشعری قمی، نوبختی و ابوحاتم رازی (۳۲۲ ق) هم
 نسبت داده شده است. (ر.ک به: آتام، «نظریه پیدایش تشیع در زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله»، *سخن تاریخ*، ش ۳،
 تابستان ۱۳۸۷، ص ۶ - ۵) به این فهرست می‌توان شواهد دیگری هم افزود؛ از جمله سعید، *الرسول و الشیعه*
 (این کتاب یکبار هم در کویت به چاپ رسیده و به زبان فارسی نیز با نام *شناخت شیعه* ترجمه شده است)؛
 سبحانی، *تشیع از چه زمانی پدید آمده است؟* در تاریخ ۹۱/۴/۱۳.

دیدگاه از نظر چگونگی استدلال به هفت دسته فرعی و یا ترکیبی از آنها تقسیم می‌شود:

۱. دیدگاه متن‌محور برپایه استدلال به کاربرد واژه شیعه از سوی پیامبر ﷺ

این استدلال، رایج‌ترین استدلال بر اثبات پیدایش تشیع در عصر نبوی است. عصاره این استدلال مبتنی بر این باور است که پیامبر ﷺ بارها واژه شیعه را در حق پیروان علی ﷺ به کار برد و به این ترتیب، به دست خود تشیع را پایه‌گذاری کرد. به عنوان نمونه، پیامبر ﷺ با اشاره به علی ﷺ فرمودند: «إِنَّ هَذَا وَ شِيعَتَهُ لَهُمُ الْفَائِزُونَ»^۱ و در جایی دیگر خطاب به علی ﷺ فرمودند: «أَنْتَ وَ شِيعَتُكَ تَرِدُ عَلَيَّ أَنْتَ وَ شِيعَتُكَ رَاضِينَ مُرْضِينَ»^۲

با توجه به فراوانی ذکر این استدلال در منابع مختلف، جا دارد اندکی بیشتر بر آن تأمل شود. نقدی که متوجه این دیدگاه است اینکه، کلمه شیعه در آن دوره به مفهوم مطلق پیرو به کار می‌رفت؛ در نتیجه نمی‌توان آن را به مثابه یک اصطلاح که در دوران بعد رواج یافت، در نظر گرفت. ما در زبان فارسی با کلماتی مثل مشایعت و تشییع که با شیعه و تشیع هم‌خانواده هستند، آشنایی داریم. این کلمه به مفهوم لغوی خود در صدر اسلام کاربرد زیادی داشت. واژه شیعه به استناد بیشتر منابع لغوی^۳ و نیز در کاربرد قرآنی آن^۴ به مفهوم پیرو می‌باشد. این واژه که مشتقات آن جمعاً ۱۲ بار در قرآن به کار رفته است، جز در سه مورد^۵ مجموعاً بار ارزشی مثبت ندارد؛ پس به هیچ روی نمی‌توان

<http://www.shafaqna.com/persian/component/k2/item/15840.html>

۱. سیوطی، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۶، ص ۳۷۹، ذیل آیه ۷ سوره مبارکه بینه.
۲. الحبري الكوفي، تفسیر الحبري، ص ۳۷۲. برای آگاهی از کاربردهای واژه شیعه علی ﷺ در حدیث رک به: آتام، «نظریه پیدایش تشیع در زمان پیامبر اسلام ﷺ»، سخن تاریخ، ش ۳، تابستان ۱۳۸۷، ص ۱۰ - ۹ و در روایات ذیل آیات رک به: الحبري الكوفي، تفسیر الحبري، ص ۱۳ - ۱۰.
۳. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحیط، بیروت، دارالفکر، ۴، جلد ۱۴۰۳؛ الجوهري، اسماعیل بن حماد، الصحاح، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، ج دوم، بیروت، دارالعلم للملایین، ۶، ج ۱۳۷۶؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۷، ص ۲۵۸.
۴. عبدالباقی، المعجم المفهرس، ص ۳۹۸.
۵. دو بار در آیه ۱۵ سوره مبارکه قصص درباره شیعه حضرت موسی ﷺ: «وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَى حِينٍ غَفْلَةٍ مِنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَذَا مِنْ شِيعَتِهِ وَ هَذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَغَايَاهُ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَرَهُ مُوسَى فَقَضَى عَلَيْهِ قَالَ هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ عَدُوُّ مُضِلٌّ مُبِينٌ» و یک بار درباره حضرت ابراهیم ﷺ در آیه ۸۳ سوره صافات: «وَإِنْ مِنْ شِيعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ».
۶. به عنوان نمونه: «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْسَكُمْ شِيعًا وَ يَذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ انْظُرْ كَيْفُ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ» (انعام (۶): ۶۵)؛ «إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَ كَانُوا شِيعًا لَسْتُ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يَنْبِئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ» (انعام (۶): ۱۵۹)، «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلَ أَهْلَهَا شِيعًا يَسْتَضِيعُ طَائِفَةً مِنْهُمْ يَذِخُّ أُنْبَاءَهُمْ وَ يَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ» (قصص (۲۸): ۴)؛ «مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَ كَانُوا شِيعًا كُلُّ جَزَاءٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ» (روم (۳۰): ۳۲)

برای اثبات این مدعا به کاربرد قرآنی این واژه استناد کرد. درباره کاربرد این واژه از سوی پیامبر ﷺ هم باید توجه داشت که این واژه در همان دوران و نزدیک به آن دوران هم مطلقاً به معنای پیرو به کار می‌رفت^۱ و هیچ انحصاری در کاربرد آن برای امیرالمؤمنین علی ﷺ وجود ندارد. به همین دلیل بعضی نویسندگان از دو شیعه رودررو در آن روزگار، یعنی شیعه آل‌البیت و شیعه بنی‌امیه یاد کرده‌اند.^۲ البته نمی‌توان انکار کرد که این واژه بعدها کارکرد خاص لغوی خود را از دست داد و تنها به عنوان اسم خاص بر پیروان علی ﷺ اطلاق شد.^۳

بنابراین این استدلال براساس خلط بین مفهوم لغوی و اصطلاحی واژه شیعه شکل گرفته و نمی‌توان در موضوعی بدین پایه از اهمیت به آن تکیه کرد. به کار رفتن لفظ شیعه علی ﷺ در زمان پیامبر ﷺ نمی‌تواند به معنای شیعه به مفهوم اصطلاحی باشد و ما وقتی از پیدایش شیعه سخن می‌گوییم، مراد مفهوم اصطلاحی شیعه است، نه مفهوم لغوی آن و نباید بین این دو مفهوم خلط کرد؛ یعنی در زمان خود پیامبر ﷺ هم این کلمه به مفهوم لغوی آن به کار می‌رفت و تعبیر شیعه علی ﷺ که پیامبر ﷺ آن را چندین بار به کار برده بود، ناظر به مفهوم لغوی بود و با مفهوم اصطلاحی شیعه که بعدها رواج یافت، تفاوت دارد. شاید به دلیل اشکالی که به این استدلال وارد

۱. ازجمله: «قال أبو الخطاب: بلغ مروان أن أبا مسلم وقحطبة وأصحاب الرايات السود وأشياعهم شيعة لإبراهيم» ناشناس، *اخبار الدولة العبادية*، ص ۳۹۳؛ «... و ذلك أن شيعة ولد العباس افترقت بعد إبراهيم» (همان، ص ۴۰۳)؛ «و ان المختار بن أبي عبيد الثقفي جعل يختلف بالكوفة الى شيعة بني هاشم» (الدينوري، *الاخبار الطوال*، ص ۲۸۸)؛ «و كان من شيعة عثمان رضي الله عنه» (ابن اثير، *اسد الغابه*، ج ۵، ص ۲۳۷)؛ «و هو معاوية بن حديج الذي كان من شيعة معاوية بن أبي سفيان» (ابن حجر العسقلاني، *الاصابه*، ج ۴، ص ۳۰۳)؛ «إلى أن صار في كل بلد من شيعة بني العباس من يحمل السلاح» (ابن العرمانی، *الإنباء في تاريخ الخلفاء*، ص ۵۹)؛ «و شيعة محمد بن الحنفية يزعمون انه لم يت» (بلاذري، *انساب الاشراف*، ج ۲، ص ۲۰۲)؛ «فكان يجرّضنا و يحضّنا و يقول إنّ شيعة الله يقتلونهم بنصيبين» (همان، ج ۶ ص ۴۲۶)؛ «و أنصار الضعيف، و شيعة الرسول و آل الرسول» (همان، ص ۴۳۰)؛ «اسمه الحصين و سمّاه رسول الله صله الله و هو من شيعة عثمان بن عفّان روى عنه» (المقدسي، *البدء و التاريف*، ج ۵، ص ۱۱۸)؛ «كان جماعة من بني هاشم و شيعة المهدي خاضوا في خلع عيسى بن موسى من ولاية» (ابن خلدون، *تاريخ ابن خلدون*، ج ۳، ص ۲۶۱)؛ «ينادي من أعلى القصر بأعلى صوته: ألا يا شيعة مسلم بن عقيل! ألا يا شيعة الحسين بن علي!» (ابن اعثم الكوفي، *كتاب الفتوح*، ج ۵، ص ۵۰)؛ «فصاح بهم الحسين رضي الله عنه: و يحكم يا شيعة آل سفيان!» (همان، ص ۱۱۷)؛ «رفع مصعب رأسه إليهم فقال: الحمد لله الذي أمكن منكم يا شيعة الدجال! قال: فتكلم رجل منهم يقال له بجير بن عبدالله السلمي، فقال: لا والله ما نحن بشيعة الدجال، و لكننا شيعة آل محمد ﷺ» (همان، ج ۶ ص ۲۹۲).

۲. الموسوي، *التشيع، نشأته، معالمه*، ص ۴۱.

۳. بنابراین در گزاره‌هایی مثل: «و أهل قمّ شيعة غالبية قد تركوا الجماعات و عطلوا الجامع الى ان الزمهم ركن الدولة عمارته و لزومه» (مقدسي، *احسن التقاسيم في معرفة الاقاليم*، ص ۳۹۵) و «و نصف الأهواز شيعة» (همان، ص ۴۱۵) بدون تردید امامیه موردنظر است.

است، صاحب‌نظرانی همچون شهید صدر که انتظار می‌رفت در کتاب *نشأة الشيعة و التشيع* در این باره سخن گویند، موضع مشخصی درباره پیدایش این کلمه به‌عنوان یک اصطلاح نگرفته‌اند؛^۱ بلکه به‌صراحت در مقدمه‌ای که بر کتاب مرحوم دکتر عبدالله فیاض نوشته‌اند، چنین آورده‌اند:

درست نیست که تاریخ پیدایش مکتب شیعه را وابسته به پیدایش واژه شیعه یا تشیع بدانیم؛ چراکه پیدایش نام‌ها و اصطلاحات امری است و پیدایش محتوا و واقعیت اصول آن امر دیگر، و صرف اینکه ما واژه شیعه را در بین واژه‌هایی که در زمان پیامبر ﷺ یا بعد از رحلت آن حضرت حاکم بود، نیابیم، دلیل بر نبودن این مکتب و محتوا و اصول آن نمی‌شود.^۲

واژه شیعه بعدها تنها برای پیروان علی ﷺ به‌کار رفت و در این کاربرد جدید تعیین یافت. زمان دقیقی برای تعیین این اصطلاح در راستای اشاره به پیروان علی ﷺ و به بیانی دیگر، برای رواج این اصطلاح وجود ندارد.

۲. دیدگاه رویدادمحور بر پایه استدلال به پاره‌ای اقدامات پیامبر ﷺ مانند ماجرای یوم‌الدار و غدیر انبوهی از روایات درباره عنایت و توجه خاص پیامبر ﷺ به امیرالمؤمنین علی ﷺ وجود دارد. این روایات در متون کهن ما بیشتر برای اثبات فضیلت و برتری علی ﷺ مورد توجه بود؛ ولی برخی نویسندگان از این روایات هم برای اثبات وجود تشیع در عهد نبوی سود جست‌ه‌اند. مهم‌ترین این رویدادها، مسائلی مانند ماجرای یوم‌الدار، لیلۃ‌المبیت، ضربه غزوه خندق، فتح خیبر، غزوه تبوک و حدیث منزلت و غدیر خم است. از نگاه این افراد، چنین رویدادهایی به‌خوبی نشان‌دهنده وجود یک جریان متفاوت با دیگران در آن دوران است و این جریان، همان جریان، تشیع است.^۳

این استدلال در نوع خود استدلال متینی است، ولی روشن است که سخن در این است که تشیع اثناعشری به مفهومی که امروزه وجود دارد، از چه زمانی پدید آمده است؛ درحالی‌که پیداست که نمی‌توان به کمک این استدلال اثبات کرد که این آیین به همین صورت از عصر پیامبر ﷺ وجود داشته است. البته در جمع‌بندی مقاله به این استدلال و دیگر استدلال‌های مربوط به اثبات وجود تشیع در عصر پیامبر ﷺ که از این پس خواهد آمد، بار دیگر رجوع و پیشنهادی برای چگونگی استناد به آنها ارائه خواهد شد.

۱. الصدر، *نشأة التشيع و الشيعة*، ص ۶۳ - ۵۸.

۲. فیاض، *پیدایش و گسترش تشیع*، ص ۸.

۳. به‌عنوان نمونه: حسینی روحانی، *بحوث مع اهل السنة و السلفیه*، ص ۱۹ به بعد (البته استدلال‌های مؤلف محترم تنها منحصر به این رویدادها نیست)؛ غریفی، *التشيع، نشوئه، مراحل، مقوماته*، ص ۲۵ به بعد.

۳. دیدگاه شخص محور بر پایه استدلال به رفتار متفاوت امیرالمؤمنین علی (ع) و طرفداران او در عصر پیامبر این دیدگاه نیز با تکیه بر وجود یک جریان سیاسی متمایز از دیگران با محوریت علی (ع) و یارانش،^۱ در پی اثبات وجود تشیع در عصر پیامبر (ص) است. سید علی خان مدنی شیرازی در *الدرجات الرفیعه*، شرح حال هفتاد نفر از صحابه رسول گرامی اسلام را به عنوان اصحاب شیعی می آورد که ۲۵ نفر از بنی هاشم و ۴۵ نفر دیگر از غیر بنی هاشم می باشند.^۲ ویژگی های این جریان در عصر پیامبر (ص) چنین بر شمرده شده است: اطاعت و تسلیم محض در برابر نص، ایمان و اعتقاد راسخ، شجاعت و جنگجویی، زهد و پارسایی و ساده زیستی.^۳

این دیدگاه نیز به روشنی نسبت به اثبات جریان بنی نام تشیع به مفهوم امروزی آن در عصر پیامبر (ص) بیگانه است. هر چند این استدلال، استدلالی متین و شایسته دفاع است، ولی به نظر می رسد چگونگی استناد به این گزارش ها باید به گونه ای دیگر باشد.

۴. دیدگاه جامعه محور بر پایه استدلال به تضادهای موجود در جامعه نخستین اسلامی بر اساس این دیدگاه، پس از شکل گیری خرده گروه های منزلتی، طبقاتی و جغرافیایی در درون جامعه نوپای اسلامی، جمعی که احساس وفاق ارزشی و هنجاری بیشتری به یکدیگر داشتند و تعلق خاطر بیشتری به دین و فرهنگ جدید داشتند، برای حفظ ارزش ها و منافع مذهبی خویش به یکدیگر پیوستند و نزدیک ترین فرد به دین اسلام در کنش و اندیشه را علی بن ابی طالب (ع) دیدند. از این رو او را به رهبری برگزیدند و گروه شیعه را تشکیل دادند. این روند در فرایندی اجتماعی و در گذر چندین سال به وقوع پیوست؛ یعنی ابتدا رهبر جامعه اسلامی ادعای نبوت نمود و برای ترویج عقاید خویش، عضوگیری کرد و به آنها آگاهی بخشید و اعضای گروه با آگاهی بر منافع خویش به سوی تضاد بیشتر با کسانی پیش رفتند که در تعارض با منافع آنان بود، تا اینکه ستیز به اوج خود رسید ... تا اینکه جمعی علی (ع) را برگزیدند و با محوریت او گروه شیعه را تشکیل دادند و در زمان پیامبر اسلام (ص)، به شیعه علی (ع) شهرت یافتند. گروه شیعه این تشکیلات را برای حفظ و توسعه همان اسلام و عقایدی بنا نهاد که روز اول به آن ایمان آوردند و سال ها برای حفظ و توسعه آن به مبارزه و ستیز با معارضان پرداختند.^۴

این دیدگاه در کتابی با عنوان *تحلیلی بر چگونگی شکل گیری شیعه در صدر اسلام با رویکردی*

۱. الزین عاملی، *الشیعة فی التاريخ*، ص ۴۰ - ۳۸.

۲. نوری، «ویژگی های جریان تشیع در عصر نبوی (ص)»، *شیعه شناسی*، سال پنجم، ش ۱۷، بهار ۱۳۸۶، ص ۷۸ - ۷۷، به نقل از شیرازی، *الدرجات الرفیعه فی طبقات الشیعه*، ص ۴۵۲ - ۴۱.

۳. نوری، «ویژگی های جریان تشیع در عصر نبوی (ص)»، *شیعه شناسی*، سال پنجم، ش ۱۷، بهار ۱۳۸۶، ص ۹۸ - ۸۳.

۴. غفاری فر، *تحلیلی بر چگونگی شکل گیری شیعه در صدر اسلام با رویکردی جامعه شناختی*، ص ۲۳۰ - ۲۲۹.

جامعه‌شناختی و با استفاده از نظریه تضاد کارل مارکس و نظریه کشمکش دارندورف^۱ و برای سنجش این فرضیه نگارش یافته است.

عده‌ای از مسلمانان مکه و مدینه به رهبری علی بن ابی‌طالب (ع) در صدر اسلام برای رسیدن به منابع کمیاب به انگیزه تثبیت و توسعه ایدئولوژی اسلامی، گروه شیعه را تشکیل داده‌اند.^۲

مؤلف معتقد است که توانسته است فرضیه خود را به اثبات برساند.^۳

این تحلیل برای پیدایش تشیع هرچند نقطه آغاز تشیع را به عصر پیامبر (ص) برمی‌گرداند، ولی به‌روشنی برخلاف مسلمانات اعتقاد شیعیان اثناعشریه است که پیدایش تشیع را به‌دست خود پیامبر (ص) و به هدایت اهل بیت (ع) و به‌مثابه تداوم نبوت می‌دانند، نه معلول یک تضاد اجتماعی و به ابتکار گروهی از مسلمانان که علی (ع) را برای رهبری مناسب تشخیص دادند.

۵. دیدگاه عقل‌محور برپایه استدلال عقلی بر سرشت و اقتضای دعوت نبوی و به‌هم پیوستگی نبوت و امامت استدلال دیگر هم که گاه برای اثبات تشیع در عصر پیامبر (ص) اقامه می‌شود، یک استدلال عقلی برای ضرورت تداوم نبوت و فلسفه وجودی امامت است. براساس این دیدگاه، چون جوهره تشیع را باور به امامت تشکیل می‌دهد و پیوندی ژرف بین امامت و نبوت وجود دارد، پس صرف‌نظر از گزاره‌های تاریخی، از نظر عقلی نیز باید باور داشت که تشیع از همان عصر پیامبر (ص) وجود داشته است. نویسنده کتاب بحوث مع اهل السنة و السلفیه ضمن ذکر نمونه‌هایی قابل توجه از کاربرد واژه شیعه در عهد نبوی که به‌مثابه تلاش پیامبر (ص) برای ترویج لفظ شیعه است، استدلال عقلی مبسوطی برای اثبات تلاش پیامبر (ص) برای نشان دادن مضمون امامت در جان مردم اقامه کرده‌است.^۴ این استدلال نیز به‌نوبه خود استدلالی استوار و خدشه‌ناپذیر است؛ ولی سخن در این است که آیا به کمک این استدلال می‌توان اثبات کرد که جریانی به‌نام تشیع به مفهوم امروزی آن در عصر پیامبر (ص) وجود داشته است؟

۶. دیدگاه اندیشه‌محور برپایه استدلال به وجود اندیشه و فهمی متمایز از اسلام و سیره نبوی در زمان حضور پیامبر (ص) در مقایسه با دیگر فهم‌ها و برداشت‌ها از اسلام و سیره نبوی جوهره این دیدگاه هم آن است که در زمان حضور پیامبر (ص)، اندیشه و فهمی متمایز از اسلام و

۱. همان، فصل اول به‌ویژه ص ۴۷ - ۳۱.

۲. همان، ص ۴۷.

۳. ... این نتیجه، همان مستدل کردن فرضیه و مدل تحقیق است. (همان، ص ۲۳۰)

۴. حسینی روحانی، بحوث مع اهل السنة و السلفیه، ص ۱۹ به بعد.

سیره نبوی وجود داشت و همین فهم متمایز را می‌توان نشانه وجود تشیع از همان دوره شمرد. آنچه درباره ناکارآمدی چند دیدگاه اخیر ذکر شد، عیناً برای این دیدگاه نیز قابل ذکر است.

۷. دیدگاه دین‌محور بر پایه استدلال به یکسانی اندیشه شیعی با دین اسلام و نادرست بودن تعبیر پیدایش تشیع این دیدگاه وجود تشیع در عصر پیامبر ﷺ را این‌گونه اثبات می‌کند که تشیع، چیزی جز اسلام نیست. لذا پاسخ دادن به این پرسش که پس از ظهور اسلام، تشیع چگونه پدید آمد، افتادن در این دام است که ابتدا پذیرفته‌ایم که زمانی اسلام بوده و تشیع نبوده است، اکنون می‌خواهیم بدانیم تشیع در چه زمانی و چگونه پدید آمده است؛ حال آنکه این پرسش را باید متوجه اهل سنت ساخت و پرسید تسنن چگونه و از چه زمانی پدید آمده است؟ درست است که پیروان تشیع در مقایسه با اهل سنت همواره در اقلیت بوده‌اند، ولی هیچ پیوند منطقی بین اقلیت و اکثریت بودن با تقدم و تأخر در پیدایش وجود ندارد؛ در واقع این‌گونه نیست که الزاماً زمان پیدایش هر اندیشه و فهمی از اسلام که پیروان آن در اقلیت هستند، پس از زمان پیدایش اندیشه‌ای با پیروان بیشتر باشد.^۱

درباره این استدلال هم باید گفت اگر سخن در ریشه‌های تشیع باشد، این استدلال پذیرفتنی و گره‌گشاست؛ ولی اگر سخن در تشیع به معنای امروزی آن باشد، این استدلال با وجود اتقان و استواری، ناتوان از آن است که وجود اعتقاد به تشیع دوازده امامی را در آن روزگاران ثابت کند.

دو. دیدگاه‌های پیدایش تشیع در دوران پس از پیامبر ﷺ

اگر بیشتر شیعیان بر این باورند که تشیع در عصر پیامبر ﷺ پدید آمد، بیشتر دیدگاه‌ها درباره پیدایش تشیع، آن را مربوط به دوران پس از حیات پیامبر ﷺ می‌داند. این دیدگاه‌ها را هم می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: دیدگاه‌هایی که برای پیدایش تشیع ریشه‌های درون‌دینی در نظر گرفته و دیدگاه‌هایی که برای آن ریشه‌هایی برون‌دینی در نظر گرفته‌اند. این دو دیدگاه را با عنوان‌های دیگری هم مانند دیدگاه‌هایی که پیدایش تشیع را متأثر از رویدادهای نخستین جامعه اسلامی در نظر گرفته‌اند و دیدگاه‌هایی که آن را متأثر از روابط با غیر مسلمانان دانسته‌اند^۲ و یا نگاه همدلانه و ناهمدلانه یاد کرده‌اند.

۱. دیدگاه‌هایی که پیدایش تشیع را دارای منشأ درون‌دینی می‌دانند

۱ - ۱. پیدایش تشیع در روز رحلت پیامبر ﷺ: مرحوم علامه طباطبایی در کتاب شیعه^۳ در بحثی با عنوان

۱. الصدر، نشأه التشیع والشیعه، ص ۶۳ - ۵۸.

۲. آقائوری، خاستگاه تشیع، ص ۱۵۵ - ۱۳۸.

۳. کتاب شیعه (طباطبایی، شیعه: مذاکرات و مکاتبات پروفیسور هانری کرین با علامه سید محمدحسین طباطبایی) ترکیب دو کتاب است: کتاب مکتب تشیع که در سال ۱۳۳۹ منتشر شد و در سال ۱۳۵۵ با عنوان شیعه، تجدیدنظر کلی و تجدید چاپ شد، و نیز رسالت تشیع در دنیای امروز که تکمیل گفتگوهای در سال ۱۳۴۰ است و نخستین بار در

«مخالفان شیعه» ضمن اشاره به دیدگاه‌هایی که تشیع را نتیجه اقدامات ابن‌سبأ یهودی و ایرانی‌ها و حتی مساعی امام پنجم و ششم و آل‌بویه و صفویه می‌دانند و رد آنها،^۱ نظر خود را این‌طور بیان می‌کند:

طریقه تشیع از روز رحلت پیغمبر اسلام ﷺ طلوع کرده و جماعتی با این روش، تعیین و تمیز پیدا کرده‌اند^۲ ... غرض آنها (شیعیان) از این انتقاد (به خلفا) دفاع از یک رشته نصوص مسلم‌های بود که به‌موجب آنها، ولایت مسلمین به‌دست امیرالمؤمنین علی ﷺ سپرده شده بود؛ نصوصی که به‌موجب آنها اهل‌بیت پیغمبر، پیشوایان دین و مرجع جمیع شئون علمی و عملی اسلام معرفی شده بودند و همین نصوص، هم‌اکنون نیز به‌نحو تواتر در دست فریقین - اهل سنت و شیعه - موجود می‌باشد.^۳

۲ - ۱. پیدایش شیعه در پی ماجرای سقیفه: این دیدگاه که طرفداران زیادی دارد، تفاوت موضع شیعیان با جریان حاکم پس از سقیفه و متمایز شدن صف پیروان علی ﷺ از جریان حاکم را عامل اصلی پیدایش تشیع می‌شمرد.^۴

سال ۱۳۷۰ چاپ شد. (همان، مقدمه دکتر غلامرضا اعوانی، ص ۳؛ چاپ مستقل و جدید کتاب رسالت تشیع در دنیای امروز با این نام است: رسالت تشیع در دنیای امروز (گفت‌وگویی با هانری کرین) کتاب شیعه بار دیگر به کوشش آقای سید هادی خسروشاهی بدون قسمت «رسالت تشیع در دنیای معاصر»، ولی با دو ضمیمه سودمند منتشر شده است؛ (ر.ک به: طباطبایی، شیعه؛ مجموعه مذاکرات با پروفیسور هانری کرین) ضمیمه نخست با عنوان «اعتراض یک ناشناس بر کتاب شیعه»، (همان، ص ۲۰۴ - ۱۸۱) پاسخ مرحوم علامه به یک نویسنده ناشناس در نقد کتاب شیعه است که قبلاً در نشریه مکتب تشیع، سال سوم، مورخ ذی‌حجه ۱۳۸۰ هجری، ص ۷۹ - ۴۹ درج شده بود. در این نقد، معترض ناشناس اولین اشکال خود را به ملاقات علامه با هانری کرین گرفته است: «نیاید با مردم امروز و خصوصاً با امروزی‌ها که سراپا فاسدند و غرضی جز هدم اساس دین ندارند، تماس گرفت؛ نیاید گول وعده‌های بی سر و ته آنها را خورده و به کمک و مساعدت دینی آنها امیدوار بود و از این‌گونه نظریه که در نشریه شیعه است، سخن به‌میان آورد. امید را به خدایی باید بست که وعده حفظ و حراست دین خود را داده و در کلام خود می‌فرماید: «انا نحن الذکر و انا له لحافظون.» ما چرا چشم کمک و همراهی از امام زمان ﷺ نداشته باشیم، ما چرا شکوه به او نبریم و دست به دامن او نشویم؟» (همان، ص ۱۸۳) ضمیمه دیگر با عنوان «توضیحات» (همان، ص ۴۱۰ - ۲۰۵) حاوی ۱۲۰ پاورقی از آقایان خسروشاهی و احمدی میانجی است. پاورقی ۳ تا ۸ (همان، ص ۲۵۶ - ۲۰۸) ذکر مستندات دیدگاه‌های منقول از سوی علامه و نقد آنها و ذکر مستندات پیدایش شیعه پس از جریان سقیفه است.

۱. طباطبایی، شیعه؛ مذاکرات و مکاتبات پروفیسور هانری کرین با علامه سید محمدحسین طباطبایی، ص ۱۹ - ۱۸؛ همو، شیعه، ص ۳۸ - ۳۷.

۲. همو، شیعه، ص ۹؛ همو، شیعه، ص ۳۹.

۳. همو، شیعه، ص ۲۰؛ همو، شیعه، ص ۴۰.

۴. به‌عنوان نمونه ر.ک به: امین، فجر الاسلام، ص ۲۶۶؛ گولتسیهر، العقیده و الشریعة فی الاسلام، ص ۱۷۴؛ غریفی، التشیع، نشوئه، مراحل، مقاومت، ص ۲۵ به بعد؛ ابن‌خلدون، تاریخ ابن‌خلدون، ج ۳، ص ۳۶۴؛ حسن، تاریخ الاسلام، ج ۱، ص ۳۷۱؛ و برای آگاهی از اهم منابع و نقد اجمالی آنها ر.ک به: الخرسان، نشأة التشیع، ص ۳۱ - ۳۵؛ آقائوری، خاستگاه تشیع، ص ۱۲۹ - ۱۲۶.

- ۳ - ۱. پیدایش شیعه در عصر خلافت عثمان: در این دیدگاه، رویه ناپسند عثمان در حکومت‌داری و موضع‌گیری تند برخی یاران امیرالمؤمنین علی علیه السلام و کارگزاران حکومتی‌اش، موجب متمایز شدن یک خط سیاسی جدید در جامعه اسلامی به‌نام تشیع شد.^۱
 - ۴ - ۱. پیدایش شیعه در ماجرای قتل عثمان: این دیدگاه پیدایش تشیع را مربوط به اواخر خلافت عثمان و به‌صورت مشخص در ماجرای فتنه «الدار»، یعنی کشته شدن خلیفه سوم می‌داند.^۲
 - ۵ - ۱. پیدایش شیعه در عصر خلافت امیرالمؤمنین علی علیه السلام: از نظر قائلین این دیدگاه، قدرت یافتن امیرالمؤمنین و پیروان ایشان و تشکل یافتن آنها در قالب حکومت، خاستگاه پیدایش تشیع شد.^۳
 - ۶ - ۱. پیدایش شیعه در ماجرای جنگ جمل: این دیدگاه نیز به ابن‌الندیم نسبت داده شده است.^۴
 - ۷ - ۱. پیدایش تشیع بعد از ماجرای حکمیت: گروهی نیز پیدایش تشیع را به مقطع زمانی پس از ماجرای حکمیت در سال ۳۷ ق تا پیش از شهادت امیرالمؤمنین علی علیه السلام برگردانده‌اند.^۵
 - ۸ - ۱. پیدایش تشیع به‌دنبال شهادت امام حسین علیه السلام: برخی نیز به این باور گرویده‌اند که به‌دنبال شهادت امام حسین علیه السلام و پیدایش جریان‌هایی مانند توایین و کیسانیه، عملاً گروهی از پیروان اهل بیت علیهم السلام گرد هم آمدند و همین نکته از نظر صاحبان این نظریه موجب شکل‌گیری جریانی شد که به تشیع شهرت یافت.^۶
 - ۹ - ۱. پیدایش تشیع پس از کشته شدن مختار در کوفه: این دیدگاه بر این باور است که تشیع پس از کشته شدن مختار در کوفه پدید آمد.^۷
 - ۱۰ - ۱. پیدایش تشیع در عصر امام صادق علیه السلام: کثرت فعالیت‌های فرهنگی و علمی امام صادق علیه السلام برای تبیین مرزهای اعتقادی شیعه و نشان دادن مبانی رفتار دینی، یعنی فقه سبب شده است برخی
-
۱. به‌عنوان نمونه رک به: همان، ص ۱۲۹؛ ابن‌حزم ظاهری، *الفصل فی الملل و الامواء و النحل*، ج ۲، ص ۷۸؛ الوائلی، *هویه التشیع*، ص ۱۵؛ فرغل، *عوامل و اهداف نشأة علم الکلام*، ج ۱، ص ۱۰۵؛ غریفی، *التشیع، نشوئه، مراحلہ، مقوماتہ*، ص ۲۵ به بعد.
 ۲. ولهاوزن، *الخوارج و الشیعه: المعارضة السياسية الدینیة*، ص ۱۶۴؛ و برای آگاهی از دیگر منابع رک به: الخرسان، *نشأة التشیع*، ص ۳۶ - ۳۵؛ محرمی، *تاریخ تشیع*، ص ۴۳.
 ۳. ابن‌الندیم، *الفهرست*، ص ۲۲۳؛ نعمه، *روح التشیع*، ص ۲۲؛ آقائوری، *خاستگاه تشیع*، ص ۱۳۰.
 ۴. الخرسان، *نشأة التشیع*، ص ۳۷ - ۳۶ و نقد آن.
 ۵. همان، ص ۴۲ - ۳۷؛ بغدادی، *الفرق بین الفرق*، (۱۳۵۸ق) ص ۱۳۴.
 ۶. شبیبی، *الصلة بین التصوف و التشیع*، ص ۲۲؛ بروکلمان، *تاریخ الشعوب الاسلامیة*، ص ۱۲۸؛ برای آگاهی از منابع بیشتر و نقد اجمالی این دیدگاه رک به: الخرسان، *نشأة التشیع*، ص ۴۵ - ۴۲؛ آقائوری، *خاستگاه تشیع*، ص ۱۳۲ - ۱۳۱.
 ۷. نشر، *نشأة الفكر الفلسفی فی الاسلام*، ص ۲۱.

مورخان پیدایش شیعه را به عصر این امام منسوب دارند.^۱

۱۱ - ۱. پیدایش تشیع در عصر غیبت صغرا: این دیدگاه بیشتر به تشیع اثناعشری نظر دارد و بر این باور است که ابهام‌ها و حیرت دوران غیبت صغرا سبب متمایز شدن گروهی از شیعیان شد که بعدها به نام اثناعشریه شهرت یافتند.^۲

۱۲ - ۱. پیدایش تشیع در عصر آل‌بویه: گرایش‌های شیعی آل‌بویه - که البته معلوم نیست به‌عنوان شیعه زیدی یا اثناعشری صورت می‌بست - و آزادی عمل نسبی علمای شیعه و رونق و اعتبار آنها در پایتخت خلافت، عمران و آبادانی عتبات مقدسه و فراهم آمدن آثاری که کلام و فقه شیعه را از کلام و فقه اهل سنت جدا و متمایز می‌ساخت، سبب شده است که عده‌ای از مورخان، عصر آل‌بویه را عصر پیدایش شیعه بشمارند.^۳

شاید در لابه‌لای آثار متعدد مربوط به پیدایش تشیع، دیدگاه‌های دیگری هم مانند پیدایش تشیع در عصر صفویه وجود داشته باشد که به دلیل وضوح بطلان آن، نیازی به ذکر آنها دیده نشد. در مقام نقد عام این دیدگاه‌ها می‌توان گفت گرچه هریک از این مقاطع تاریخی، مقطعی سرنوشت‌ساز و حتی نقطه عطفی برای تاریخ شیعه به حساب می‌آیند، اما بنا به ادله زیر نمی‌توان هیچ‌یک از این مقاطع را به‌عنوان مقطع پیدایش تشیع در نظر گرفت:^۴

- پیشینه داشتن هریک از این مقاطع: آنچه به‌عنوان نشانه‌های پیدایش شیعه در هریک از این مقاطع بیان می‌شود، رد پای در دوران پیش از خود دارد. به‌عنوان مثال، اگر روز رحلت پیامبر ﷺ را روز پیدایش تشیع در نظر بگیریم، کسانی که در آن روز موضعی متفاوت از دیگر صحابه داشتند، در ایام حیات پیامبر ﷺ نیز چنین بودند و نمی‌توان نقطه آغاز موضع متفاوت آنها را روز رحلت پیامبر ﷺ دانست، و یا اگر شیخ مفید در عصر آل‌بویه برای نخستین بار اندیشه‌هایی را ابداع و آنها را ساخته و پرداخته می‌کرد، شاید می‌توانستیم وی را پایه‌گذار و مبتکر تشیع بدانیم، ولی وقتی شاهدیم

۱. عبدالرزاق، *الاسلام و اصول الحكم*، ص ۱۵۹ - ۱۵۸؛ آقائوری، *خاستگاه تشیع*، ص ۱۳۵ - ۱۳۲. «پس از آنکه امام باقر ﷺ رحلت کرد و امامت به حضرت صادق ﷺ منتقل شد، نیاکان شیعه امامیه به امامت آن حضرت اعتراف کردند و از آن زمان قائلین به امامت آن حضرت به‌عنوان یک فرقه متمایز و مشخص دینی نمودار شدند.» (فیاض، *پیدایش و گسترش تشیع*، ص ۹۶) البته از بخش‌هایی از مطالب فصل دوم کتاب آقای فیاض می‌توان چنین برداشت کرد که شاید او را نیز بتوان در زمره قائلین به پیدایش تشیع در عصر پیامبر ﷺ نامید؛ هرچند چه‌بسا مخالفت شهید صدر با برخی مطالب کتاب به همین موضوع عدم صراحت مؤلف در این زمینه برگردد. (ر.ک به: همان، ص ۴۱).

۲. مختار اللیثی، *جهاد الشیعه فی العصر العباسی الاول*، ص ۳۷.

۳. طباطبایی، شیعه؛ مذاکرات و مکاتبات پرفسور هانری کربن با علامه سید محمدحسین طباطبایی، ص ۱۹.

۴. برای ملاحظه نقدی دیگر درباره این گونه دیدگاه‌ها ر.ک به: آقائوری، *خاستگاه تشیع*، ص ۱۳۷ - ۱۳۵.

که او به گردآوری و تدوین و تبویب و تنقیح و تهذیب احادیثی پرداخته که دو قرن پیش از ایام حیات او صادر شده است، دیگر نمی‌توان وی را پایه‌گذار تشیع دانست.

- محل مناقشه بودن شواهد تاریخی مورد استناد این دیدگاه‌ها: شواهدی که این دیدگاه‌ها برای اثبات مدعای خود به آن استناد می‌کنند، در بسیاری از موارد مورد مناقشه و قابل خدشه است. به‌عنوان نمونه، پیدایش تشیع در عصر عثمان - لااقل در یکی از برداشتها - مبتنی بر این برداشت است که شیعیان در پی قتل خلیفه و جایگزین کردن علی علیه السلام بودند و با کشتن خلیفه توانستند به‌عنوان یک قدرت سیاسی و اجتماعی بروز کنند. روشن است که از نظر تاریخی چنین نیست و نمی‌توان همه دشمنان عثمان را پیرو اندیشه شیعی دانست. همچنین بعد از کشته شدن مختار از سوی زبیریان، تحول خاصی رخ نداد تا بتوان آن را نقطه آغاز تشیع نامید. نقد و بررسی مبسوط تاریخی هریک از دیدگاه‌ها نیازمند فرصت دیگری است.

- ناهمگونی در تعریف تشیع: در این دیدگاه‌ها، مفهوم واحدی از تشیع مبنا قرار نگرفته است؛ گاه سخن از تشیع به میان است و گاه سخن از شیعیان، گاه مراد از تشیع تنها دوستداری امیرالمؤمنین است و گاه اعتقاد به حقانیت او برای خلافت و گاه مسائل دیگر و این‌گونه نیست که در تمام آنها مراد تشیع اثناعشری باشد. روشن است که این اشکال شاید متوجه یکایک دیدگاه‌ها مستقل از دیگری نباشد، ولی وقتی مجموع آنها را با هم مدنظر قرار دهیم، با این اشکال مواجه خواهیم شد.

- خلط بین عامل پیدایش و عامل مؤثر بر روند فعالیت: این عوامل شاید هرکدام در یکی از مراحل حرکت اجتماعی تشیع اثناعشری نقش داشته باشد، ولی نمی‌توان عامل مؤثر بر روند رشد و گسترش را با عامل مؤثر در پیدایش یکی انگاشت.

با توجه به آنچه گذشت، نمی‌توان هیچ‌یک از این مقاطع تاریخی را به‌عنوان نقطه آغاز تشیع نامید؛ هرچند تأثیر این مقاطع بر تاریخ حیات اندیشه‌ای و سیاسی تشیع را نیز نمی‌توان انکار کرد. در این باره نیز در جمع‌بندی مقاله نکاتی مطرح خواهد شد.

۲. دیدگاه‌هایی که معتقدند تشیع منشأ برون‌دینی دارد (ریشه‌های پیدایش شیعه را به بیرون از محیط اسلامی پیوند می‌زنند)

۱ - ۲. پیدایش تشیع به‌دست عبدالله بن سبأ

یکی از دیدگاه‌های شگفت درباره پیدایش تشیع که به‌ویژه در سال‌های اخیر به گستردگی تمام در پایگاه‌های اطلاع‌رسانی و منابع مکتوب ضد شیعه بر طبل آن نواخته می‌شود، معتقد است تشیع را یک یهودی‌یمنی تازه‌مسلمان به‌نام عبدالله بن سبأ بنیان نهاده است. لازمه پذیرش این دیدگاه این است که پیدایش تشیع را در زمان خلافت عثمان و خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام بدانیم.

این دیدگاه به‌خوبی از سوی صاحب‌نظران شیعی و غیر شیعی نقد شده است که اگر مفاد

مجموعه متون و منابع مربوط به این موضوع را در یک طیف در نظر بگیریم، یک سر طیف را انکار وجود تاریخی شخصی به نام عبدالله بن سبأ تشکیل می‌دهد و طرف دیگر را پیدایش تشیع و پایه‌گذاری اعتقادات شیعی به دست او.^۱ مهم‌ترین ادله نادرست بودن این توهّم که منجر به تردید در وجود تاریخی چنین شخصی می‌شود، چنین است: عدم وثاقت قدیم‌ترین راوی این ماجرا،^۲ عدم ذکر اخبار عبدالله بن سبأ از سوی همه مورخان برجسته به‌ویژه در سده‌های نخستین اسلامی،^۳ چنددستگی گزارش‌های مربوط به نسب او و نیز شرح ماجرا در متون اولیه، قابل قبول نبودن تحت‌تأثیر قرار گرفتن صحابه کبار مانند ابوذر و عمار، مفقود بودن حلقه‌هایی مهم از حضور ابن‌سبأ در حوادث صدر اسلام، طرد و لعن ابن‌سبأ از سوی شیعیان در طول تاریخ و تبری جستن از او.^۴

پیدایش تشیع به دست ایرانیان

دیدگاه دیگر در این زمینه، دخالت و نقش ایرانیان در پیدایش شیعه است.^۵ خلاصه این دیدگاه چنین است که ایرانی بودن مادر امام سجاده (ع) سبب شد ایرانیان که از دیرباز به فرهنگ سلطنت و پادشاهی خو گرفته بودند، آن را به خاندان پیامبر (ص) منسوب کنند و از در هم آمیختن اسلام و فرهنگ شاهنشاهی، نوعی اسلام ایرانی پدید آورند. علاوه بر این، هر امام فرزند امام پیشین است و این امر نوعی شباهت با سلطنت موروثی ایرانیان دارد. آموزه‌های آشکار شیعی پیش از رواج اسلام در ایران، رواج تشیع در جنوب لبنان پیش از عمومیت یافتن آن در ایران و غیر عرب بودن مادر برخی دیگر از ائمه و شیعه نشدن مردمان منسوب به قوم و قبیله ایشان، از مهم‌ترین نشانه‌های نادرستی این توهّم است.^۶

بنابر آنچه گذشت، هیچ‌یک از دیدگاه‌هایی که یکی از مقاطع پس از حیات پیامبر (ص) را به عنوان مقطع پیدایش تشیع در نظر گرفته‌اند، چه دیدگاه‌های دوازده‌گانه‌ای که برای پیدایش تشیع منشأ درونی قائل بودند و چه دو دیدگاهی که برای پیدایش تشیع منشأ بیرونی قائل بودند، قابل پذیرش به نظر نمی‌رسد.

۱. برای آگاهی از تقسیم‌بندی دیدگاه‌ها درباره ابن‌سبأ به سه دسته باورمندان به عبدالله بن سبأ و تردیدکنندگان درباره او و سرانجام منکران وجود ابن‌سبأ ر.ک به: بیضون، «عبدالله بن سبأ»، المنهاج، العددان ۱ و ۲، ربیع و صیف ۱۹۹۶.

۲. عسکری، عبدالله بن سبأ و اساطیر اخری، ص ۲۶.

۳. حسین، الفتنة الكبرى، ج ۱، ص ۱۰۰ - ۹۸.

۴. خسروشاهی، عبدالله بن سبأ بین الواقع و الخيال، ص ۴۳ - ۳۴.

۵. برای آشنایی با منابع برگزیده این دیدگاه ر.ک به: آقائوری، خاستگاه تشیع، ص ۱۴۵ - ۱۴۰.

۶. به عنوان نمونه ر.ک به: جعفریان، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن دهم، ج ۱، ص ۹۸ - ۸۵.

ب) پیدایش شیعه در گذر زمان و به‌صورت تدریجی

در برابر مجموع دیدگاه‌هایی که تاکنون مطرح شد و پیدایش تشیع را به یک مقطع خاص تاریخی نسبت می‌داد، دیدگاه دیگری هم وجود دارد که معتقد است تشیع در یک مقطع خاص پدید نیامد، بلکه به‌تدریج و در خلال قرن‌های اول تا سوم و حتی چهارم هجری شکل گرفت. برای این دیدگاه هم می‌توان سه نگاه و بیان متفاوت بیان کرد.^۱ معرفی و بررسی اجمالی این سه دیدگاه در این قسمت از مقاله پی گرفته می‌شود.

یک. پیدایش تدریجی تشیع اثناعشری متأثر از بحران‌های اندیشه‌ای و فشارهای سیاسی در بازه زمانی قرن نخست اسلامی تا قرن چهارم از سوی متکلمان شیعه^۲
این نگاه از سوی اتان کولبرگ،^۳ مستشرق و شیعه‌پژوه پرآوازه ساکن در فلسطین اشغالی مطرح شده است. او بر این باور است که:

نظریه شیعه امامیه درباره امامت به‌تدریج در قرن نخست اسلامی مطرح شد و در نیمه قرن ۲ ق / ۸ م از سوی هشام بن حکم صورتی معین و تعریف‌شده یافت ... تنها در نیمه قرن ۴ ق / ۱۰ م است که نکاتی عمده بر این نظریه افزوده می‌شود؛ به این شرح که دوازده امام وجود دارند و آخرین آنها تا ظهور نهایی خود به نام و عنوان مهدی یا

۱. نگاه‌ها و بیان‌های دیگری هم در این باره وجود دارد. یکی از این نگاه‌ها از سوی احمد الکاتب در کتاب *تطور الفكر السياسي الشيعي من الشورى الى ولاية الفقيه* منعکس شده است. این نگاه هم منحصر به وجه سیاسی اندیشه شیعی بوده و هم از نظر ژرفای مطالب، فروتر از دو دیدگاه دیگر است؛ بنابراین از این بررسی کنار گذاشته شد. این کتاب در اثری با مشخصات زیر نقد شده است: البدری، *الرد على الشبهات التي أثارها احمد الكاتب حول العقيدة الاثني عشرية* (این نقد به زبان فارسی هم ترجمه شده است: بدری، *پاسخ به شبهات احمد الکاتب*). برای آگاهی از مجموعه نقدهای این کتاب ر. ک به در تاریخ ۹۱/۴/۱۵.

<http://toraath.com/index.php?name=Sections&req=listarticles&secid=7>

دو دیدگاه دیگر در این زمینه، یکی دیدگاه آندرو نیومن (ر. ک به: نیومن، *دوره شکل‌گیری تشیع دوازده امامی: گفت‌وگو میان حدیثی میان تم و بغداد*) و دیگری دیدگاه هاینس هالم (ر. ک به: هالم، *تشیع*، ص ۹۳ - ۸۱ به‌ویژه بحثی با عنوان «مراحل آغازین ادبیات امامیه و شکل‌گیری مذهب دوازده امامی» است که با وجود تفاوت‌های جدی در روش تحقیق و محورهای بحث با نگاه کولبرگ، می‌تواند ذیل نگاه او مورد بررسی قرار گیرد. پرداختن به جزئیات این دیدگاه‌ها و تعیین تمایز آنها از یکدیگر اگر هم سودمند باشد، خارج از حوصله این نوشتار است. یکی از محورهای مورد ادعای بیشتر این نوشته‌ها، تغییر تدریجی شیعیان از یک گروه سیاسی به یک گروه مذهبی و اعتقادی است. (ر. ک به: همان، ص ۹۱ و همین مدعا بدون ذکر سند در خضری، *تشیع در تاریخ*، ص ۳۸).

۲. این دیدگاه در مقاله کولبرگ، «از امامیه تا اثنی‌عشریه»، ترجمه محسن الویری، *فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق*، ش ۲، زمستان ۱۳۷۴، ص ۲۲۰ - ۲۰۱ منعکس شده است.

3. Ethan Colberg.

قائم در غیبت به سر می‌برد؛ این غیبت دو دوره دارد: غیبت کوتاه‌تر یا غیبت صغرا ... و غیبت طولانی‌تر یا غیبت کبرا ...^۱

مهم‌ترین دلیل کولبرگ در اثبات نوپدید بودن اندیشه اثناعشریه در قرن چهارم این است که در منابع شیعی پیش از قرن چهارم، نظریه شیعه دوازده امامی مطرح نبوده است^۲ و نخستین نظریه‌پردازان آن - که نویسندگان نسل‌های بعد هم دقیقاً از آنها پیروی کردند - برای اثبات این نظریه از چهار شیوه اصلی بهره بردند: استناد به آیات قرآن، استناد به احادیث شیعی، استناد به روایات اهل سنت و سرانجام، استناد به کتاب مقدس و روایات یهودیان.^۳ به اعتقاد کولبرگ، پیشینه داشتن عدد دوازده و غیبت در تاریخ اسلام و ذهنیت مسلمانان هم به‌خوبی به مدد شیعیان آمد و شیعیان در شرایطی که «فشار و ستمکاری عباسیان با یک احساس شدید نومی‌دی در میان امامیه که از به چنگ آوردن قدرت از طریق زور عاجز مانده بودند»، همراه بود و اندیشه غیبت، جاذبه‌های خاص خود را داشت و می‌توانست به‌عنوان یک منجی، نقطه تبلور و تمرکز «تمامی آمال و آرزوهای اقلیتی که مدتی مدید تحت رنج و عذاب بوده»، باشد، توانستند به کمک چهار شیوه‌ای که نام برده شد، به‌آسانی منابع خود را متناسب با اندیشه نوظهور اثناعشریه همساز کنند.^۴

دیدگاه اتان کولبرگ نیز برای اثبات پیدایش تشیع در قرن چهارم، قانع‌کننده نیست و می‌توان آن را براساس این ادله رد کرد: وجود روایاتی درباره امامان دوازده‌گانه در متون شیعی باقی‌مانده از اواخر قرن سوم هجری و غیبت دوازدهمین امام، عدم امکان حکم قطعی به نبود اندیشه تشیع اثناعشری تنها به استناد در دسترس نبودن منابع، نارسا بودن تحلیل کولبرگ از انگیزه‌های گرایش امامیه به این نظریه، تأملات روش‌شناختی درباره مقاله کولبرگ به‌ویژه غفلت او از شرایط سیاسی - اجتماعی زیست شیعیان در دو قرن نخست و تأثیر آن در ثبت و نقل روایات و نیز بی‌توجهی به نقش سلسله سند روایات در تعیین تاریخ صدور آنها.^۵

۱. کولبرگ، «از امامیه تا اثنی عشریه»، ترجمه محسن الویری، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، ش ۲، زمستان ۱۳۷۴، ص ۲۲۰ - ۲۰۱.

۲. همان، ص ۲۰۴ - ۲۰۲.

۳. همان، ص ۲۰۷ - ۲۰۵.

۴. همان، ص ۲۱۲ - ۲۰۸.

۵. برای ملاحظه تفصیل این نقدها رک به: الویری، «نقد نظریه‌ای در پیدایش شیعه اثنی عشریه»، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، ش ۲، زمستان ۱۳۷۴، ص ۸۶ - ۵۱.

دو. دیدگاه قابل برداشت از کتاب «مکتب در فرایند تکامل»؛ پیدایش تدریجی تشیع اثناعشر متأثر از بحران رهبری سیاسی و پرسش‌های اعتقادی در بازه زمانی قرن نخست اسلامی تا قرن چهارم هجری از سوی محدثان و متکلمان شیعه

این نگاه از سوی سید حسین مدرسی طباطبایی در کتابی به نام مکتب در فرایند مطرح شده است.^۱ وی در کتابی که خود آن را یک «تاریخ فکر» خوانده، نه «تجزیه و تحلیل مبانی عقیدتی یا نقد و بررسی باورهای مذهبی»، کوشیده است نگاهی به تطور مبانی فکری تشیع در سه قرن نخستین اسلامی داشته باشد. مدرسی طباطبایی با اشاره به اختلافات و تشتت در جامعه شیعی و پیدایش گرایش‌ها و فرقه‌های مختلف میان آنها و برانگیخته شدن گروه‌هایی مانند معتزله و زیدیه برای حمله به مبانی سنتی عقیده تشیع و استمرار اختلافات داخلی و تفرقه‌های درون‌گروهی جامعه شیعی بر سر مسائل زیربنایی عقیدتی و هم‌زمان با آن، فشارهای سیاسی که در روزگار متوکل عباسی (۲۴۷ - ۲۳۲ ق) به اوج خود رسید، معتقد است:

نیاز به بازسازی برخی از استدالات و تحلیل‌های بنیادی مکتب مانند فلسفه احتیاج دائمی بشریت به امام، اکنون از همه وقت بیشتر و ضروری‌تر می‌نمود. ... در این دوره که نزدیک یک قرن به طول انجامید، به تدریج مکتب مقدس تشیع به گونه‌ای که بعداً با تحلیلات و نقطه‌نظرات استوار و مستحکم خاص خود به نام تشیع دوازده امامی خوانده شد، تکامل یافت.^۲

مؤلف محترم در پاورقی همین صفحه آورده است که استدلال شیعیان بر اثبات ضرورت تداوم امامت پس از درگذشت پیامبر ﷺ این بود که «جامعه بشریت در هر دوره محتاج به یک مرجع زنده و قابل دسترسی برای تشخیص صحیح از سقیم و حق از باطل است»؛ ولی با توجه به عصر غیبت و عدم حضور امام در صحنه ظاهری اجتماع، این استدلال دیگر می‌بایست «تجدید ساختمان می‌شد و استدالات تازه‌تر جایگزین آن می‌گردید.»

مؤلف مراد خود را در جایی دیگر با وضوح بیشتری بیان کرده است:

در آغاز دوره غیبت کبرا، محمد بن ابراهیم کاتب نعمانی ... گویا نخستین کسی در میان مؤلفان شیعه است که به اهمیت مسئله اثناعشر به درستی توجه کرد. اصل توجه

۱. مشخصات چاپ دوم کتاب که در این مقاله مورد استناد قرار گرفته، چنین است: مدرسی طباطبایی، مکتب در فرایند تکامل: نظری بر تطور مبانی فکری تشیع در سه قرن نخستین، ترجمه هاشم ایزدپناه، تهران، کویر، چ اول تا چ سوم، ۱۳۸۶. این اثر با مشخصات زیر به زبان عربی هم ترجمه شده است: المدرسی الطباطبایی، تطور المبانی الفکرية للتشیع فی القرون الثلاثه الاولى، ترجمه: فخری مشکور، مراجعه: محمد سلیمان، قم، نور وحی، ط اولی، ۱۴۲۳ ق.

۲. مدرسی طباطبایی، مکتب در فرایند تکامل، ۱۳۸۶، ص ۲۶.

به این نکته از اواخر دوره غیبت صغرا آغاز شده و علی بن بابویه قمی در پیرامون سال ۳۲۵ ق در مقدمه کتاب *الامامة و البصيرة* خود گفته بود ... فصلی نیز از روایاتی که عدد ائمه را دوازده می‌داند در *کافی* کلینی است ... مؤلفان و محدثان بعد با مجاهدت همه‌جانبه و پیگیر خود بسیاری از احادیث این باب را جمع‌آوری کرده و آن‌قدر در این مورد حدیث یافتند که خود مبنای تألیف کتاب‌های مفرد در این زمینه شد. با جمع‌آوری و ترتیب و تدوین این احادیث، جامعه شیعی ناگهان دریافت که پیامبر اکرم (ص) و ائمه سلف (ع) نه تنها شماره دقیق ائمه اطهار را پیش‌بینی فرموده بودند، بلکه نام دقیق آنان - از جمله حضرت ولی‌عصر (ع) را که آخرین نام در لیست دوازده نفری بود - به رازداران اسرار امامت و صحابه خاص و مخلص خود بازگو کرده بودند.^۱

وی به‌صورت مبسوط در دو فصل از کتاب خود تکامل مفهوم امامت در بعد سیاسی و اجتماعی و نیز بعد علمی و معنوی را به‌تفصیل مورد بررسی قرار داده است؛^۲ در دو فصل دیگر هم نقش راویان حدیث در فرایند تکاملی بعد سیاسی و نقش متکلمان در فرایند تکاملی بعد کلامی را به‌تفصیل مورد بررسی قرار داده است.

کسانی که این نظریه را نقد کرده‌اند،^۳ مهم‌ترین اشکالات آن را چنین برشمرده‌اند: خلط بین

۱. همان، ص ۱۹۶ - ۱۹۴.

۲. این دو فصل و یا بخش‌های اصلی این دو فصل، سال‌ها پیش در مجله *نقد و نظر* به چاپ رسیده است. (ر.ک به: مدرسی طباطبایی، «مناظرات کلامی و نقش شیعیان»، ترجمه هاشم ایزدپناه، *نقد و نظر*، ش ۴ - ۳، ۱۳۷۴؛ همو، «تکامل مفهوم امامت در بعد سیاسی و اجتماعی»، ترجمه هاشم ایزدپناه، *نقد و نظر*، ش ۸ - ۷، ۱۳۷۵)

۳. ظاهراً نخستین نقدی که به زبان فارسی بر این کتاب و در حقیقت معطوف به دو مقاله منتشرشده در ش ۴ - ۳ و ۸ - ۷ مجله *نقد و نظر*، نوشته شده، چنین است: رضایی، «تأملی در حدیث و درک تاریخی عقاید»، *نقد و نظر*، ش ۹، ۱۳۷۵؛ این نقدها هم به دنبال آن صورت گرفته است: جبرئیلی، «تأملی در مکتب در فرایند تکامل»، *قیاسات*، ش ۴۵، پاییز ۱۳۸۶؛ یوسفیان، «نقدی بر یک کتاب»، *تاریخ در آینه پژوهش*، سال چهارم، ش ۴، زمستان ۱۳۸۶، ص ۱۶۶ - ۱۴۹؛ مجمع عالی حکمت اسلامی، *نقد و بررسی نظریه تطور تاریخی تشیع؛ سلسه نشست‌های نقد کتاب گروه تاریخ تشیع پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت (ع) پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی «نشست سوم: نقد کتاب مکتب در فرایند تکامل: جلسه اول» و «نشست چهارم: نقد کتاب مکتب در فرایند تکامل: جلسه دوم»*، ص ۱۶۵ - ۶۳ گزارش اخیر به‌صورت غیررسمی و محدود توزیع شده است. کتاب منتشرشده از سوی مجمع عالی حکمت هم گزارشی از یک نشست علمی با حضور سه تن از اساتید حوزه و دبیری یکی دیگر از اساتید است نیز ر.ک به: نشست در مؤسسه نبأ که گزارش مبسوط آن به نشانی زیر در دسترس است:

<http://toraath.com/index.php?name=Sections&req=viewarticle&artid=74&page=1>، در تاریخ

۱۳۹۱/۴/۱۵. برای آگاهی از فهرست نقدهای گوناگون کتاب *مکتب در فرایند تکامل* ر.ک به:

<http://toraath.com/index.php?name=Sections&req=listarticles&secid=4>، در تاریخ ۹۱/۴/۱۵. باید

افزود مؤلف محترم کتاب *مکتب در فرایند تکامل* تاکنون سه بار نسبت به نقدها واکنش نشان داده است ر.ک به:

مدرسی طباطبایی، «یادداشتی بر یک نقد»، *نقد و نظر*، شماره ۱۱ - ۱۰، ۱۳۷۵ که این یادداشت در پاسخ به نقد

تاریخ کلام و نقد کلامی مستند به تاریخ؛ خلط بین مقام ثبوت و اثبات یک اندیشه و نادیده انگاشتن سهم عواملی مانند تقیه؛ ارائه محدود، ویژه خواص بودن و ظرفیت نداشتن مخاطبان در چگونگی بیان و معرفی آموزه‌های یک مکتب؛ به‌کارگیری واژگان مبهم و متهافت و فاقد دقت کافی؛ ارجاعات نادرست؛ گزینش جهت‌دار روایات؛ نقل ناقص برخی روایات؛ فاقد ارجاع و استناد بودن برخی گزاره‌ها؛ نپرداختن مؤلف و یا ناکافی بودن نقد مؤلف به گزاره‌هایی که برخلاف دیدگاه ایشان است و سرانجام، قابل خدشه بودن ادعاهایی مانند اینکه نظریه عصمت نخستین‌بار از سوی هشام بن حکم مطرح شد و یا منحصر دانستن هم‌وغم برخی امامان معصوم (علیهم‌السلام) و نمایندگان آنها به گردآوری وجوهات شرعی. درباره این نظریه که شاید در حال حاضر به‌دلیل روش استدلال مؤلف و انعکاس یافتن آن در محافل علمی، تازه‌ترین نظریه درباره پیدایش تشیع به‌حساب آید، به‌نظر می‌رسد لازم باشد پیش از هر چیز، این نکته را متذکر شد که مؤلف خود به‌صراحت در مقدمه کتاب بیان کرده است یک شیعه دوازده امامی معتقد به مفهوم امروزی است و شواهدی در ثبات اعتقاد خود به دوازده امام (علیهم‌السلام) اقامه کرده است.^۱

اما در بین نقدهای مکتوبی که متوجه این کتاب شده، تنها برخی از آنها متوجه بنیان اندیشه مطرح‌شده در کتاب است و بخش‌هایی دیگر که شاید حجم بیشتری را هم به خود اختصاص داده

منتشرشده در شماره ۹ همین فصلنامه است؛ دیگری پاسخ ایشان به آقای اکبر گنجی درباره این کتاب است که در پایگاه کتابخانه تاریخ اسلام و ایران منتشر شده و عیناً در صفحه ۱۶۸ - ۱۶۶ سلسه نشست‌های نقد کتاب گروه تاریخ تشیع پژوهشکده تاریخ و سیره اهل‌بیت (علیهم‌السلام) پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی آمده است. مورد سوم، مطلبی است که با عنوان «حکایت این کتاب؛ مقدمه مؤلف بر ویرایش جدید» در صفحه ۷ تا ۲۴ چاپ جدید (۱۳۸۶) کتاب مکتب در فرایند تکامل آمده است. با توجه به اینکه ظاهراً هر سه واکنش مؤلف، پیش از برگزاری نشست نقد کتاب از سوی مجمع عالی حکمت و پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی بوده است، می‌توان برداشت کرد که مؤلف از نقدهای شفاهی که درباره کتاب بر سر زبان‌هاست، کم‌وبیش آگاهی دارد و اکنون باید منتظر بود تا پاسخ احتمالی ایشان نسبت به کتاب چاپ‌شده از سوی مجمع عالی حکمت را هم شنید. در این پاورقی به مقالات موجود در ماهنامه کتاب ماه دین، شماره ۲۲، سال دوازدهم (پیاپی ۱۴۲)، مرداد ۱۳۸۸، که دربردارنده پاسخ مؤلف کتاب به یکی از نقدها هم می‌باشد، اشاره نشده است توجه به مطالب این ماهنامه را رهین ارزیاب محترم مقاله می‌باشم.

۱. مدرسی طباطبایی، مکتب در فرایند تکامل، ۱۳۸۶، ص ۲۴ - ۲۲. وی به‌صراحت این باور را مورد تأکید قرار داده است که «تمامی معتقدان به آن وجود مقدس هریک به فراخور حال و استعداد، در مراحل دشوار از زندگی، دست پرمهر و عطوفت آن بزرگوار را در کنار خود احساس کرده و حضور ولی‌نعمت و مولای کریم خود را با تمام وجود، در مرتبه‌ای بلند از تجلی و شهود، به تجربه عینی دریافته‌اند ... من ناچیز نیز از این کلیت مستثنا نبوده‌ام و خود را کمترین بنده درگاه و خاک راه و خدمتگزاری ناچیز در آستان رفیع آن مولای بزرگوار می‌دانم.» (همان، ص ۲۴) با چنین صراحتی، هر تعبیر و کوششی برای زیر سؤال بردن باورهای شخصی مؤلف و بیرون شمردن وی از جرگه اکثریت شیعه اثناعشریه به مفهوم امروزی آن، هیچ توجیه اخلاقی و دینی ندارد و «قلی شمردن تشیع» ایشان هم هیچ مجوزی برای درشت‌گویی نیست.

باشد، بیشتر جنبه خرده‌گیری دارد که حتی اگر درست باشد، نمی‌تواند نادرستی اساس اندیشه مؤلف را اثبات نماید. چنین می‌نماید که اشکال اصلی این نظریه - که البته حوصله و دقت و تتبع مؤلف محترم در اثبات باور خود را باید ستود - این است که اگر ما تنها با آنچه در این کتاب آمده است روبه‌رو باشیم و تفاوت متن فارسی و متن انگلیسی را امری کاملاً طبیعی بشمریم و تصریح مؤلف محترم را مبنی بر اینکه متن انگلیسی دو دهه پیش از متن فارسی آن و «برای حال و هوایی دیگر و در پاسخ به نیازی در شرایط زمانی و مکانی و فرهنگی خاص تدوین شده بود»، هم‌دلانه به گوش جان بشنویم و نخواهیم تفاوت دو متن را کوششی برای به دست آوردن دل‌شبیان^۱ به‌شمار آوریم، دست یافتن به این نتیجه که این کتاب بر آن است تا اثبات کند تشیع اثناعشری زاده اواخر عصر موسوم به غیبت صغرا و نتیجه فرایندی نزدیک به یک قرن از چنددستگی‌های فکری و نامالایمات سیاسی و اجتماعی آن روزگار است، دور از ذهن نمی‌نماید. مؤلف هم در عنوان کتاب و هم در عنوان دو فصل نخست کتاب، کلمه «تکامل» را برای کلیت مکتب و مفهوم امامت به‌کار برده است. کمال و تکامل جز در برابر نقص به‌کار نمی‌رود. تکامل مفهوم امامت بر چه چیز جز این باور که مفهوم امامت در مراحل نخستین خود نقصان داشته است، می‌تواند استوار باشد؟ آیا با فرض صحت همه مستندات مؤلف و چشم پوشیدن از اشکال‌هایی که از نظر تاریخی و روایی متوجه ایشان شده است، می‌توان به‌راستی اثبات کرد که مفهوم امامت در مراحل نخستین خود دچار نقص بوده است؟ این نقصان در جانب حاملان و وارثان امامت بوده است یا در جانب مخاطبان و پیروان آنها؟

مؤلف محترم در بخشی از کتاب، در برابر استدلال‌ات و استبعاداتی که متوجه باورهای اثناعشریه بوده، از این باورها دفاعی جانانه کرده است.^۲

زراره می‌دانست جانشین حضرت صادق علیه السلام کیست، ولی چون مطمئن نبود که اجازه اظهار و اشاعه آن را دارد، از راه تقیه تظاهر به عدم اطلاع می‌کرد. (به نقل از *کمال‌الدین و الامامه و التبصره*) وانگهی فهرست اسامی مبارکه ائمه اطهار جزو حقایق افشاشده برای همگان نبود، بلکه به هر دلیل، جزو اسراری بود که فقط برخی از محرمان درگاه امامت و رازداران پیشگاه ولایت بر آن آگاه بودند و لذا در برخی از آن احادیث شریفه، امام یا راوی اول حدیث به شخص بعد توصیه می‌کند که آن را به‌صورت رازی پنهان نگاه دارد و به مردم بازگو نکند (به نقل از *کافی*، غیبت نعمانی، *عیون اخبار الرضا* و *کمال‌الدین*) تا

۱. یوسفیان، «نقدی بر یک کتاب»، *تاریخ درآینه پژوهش*، سال چهارم، ش ۴، زمستان ۱۳۸۶، ص ۱۴۹ و ۱۵۲.
 ۲. مدرسی طباطبایی، *مکتب در فرآیند تکامل*، ۱۳۸۶، ص ۱۹۹ - ۱۹۶؛ محتوای این صفحات در متن انگلیسی و ترجمه فارسی چاپ آمریکا نیامده است، ر.ک: یوسفیان، «نقدی بر یک کتاب»، *تاریخ درآینه پژوهش*، سال چهارم، ش ۴، زمستان ۱۳۸۶، ص ۱۵۳.

آنکه مشیت الهی به افشای آن تعلق گیرد، و آن در این دوره و به برکت و کرامت محدثان جلیل‌القدر شیعه بود که آن اسرار و ودایع کشف، و در زمانی که جامعه بدان احتیاج مبرم داشت، در اختیار آنان گذارده شد.^۱

وی همچنین در بخشی دیگر از کتاب چنین گفته است:

تذکر و تأکید مجدد این نکته در اینجا ضرور است که - همچنان که پیش‌تر گفته شد - این کتاب تاریخ مذهب است و نه کتاب کلامی. از نظر دلیل و برهان کلامی با توجه به تظافر عظیم روایات باب و شواهد و قراین بی‌حد و شماره، هیچ منصف و عاقلی نمی‌تواند تردیدی در این امر داشته باشد که نام مبارک ائمه اطهار بر پیامبر اکرم (ص) و ائمه طاهرين (ع) و کسانی که آن بزرگواران ایشان را بر آن آگاه ساخته‌اند، مشخص و معلوم بوده است. بحث این است که جامعه شیعه، یعنی افراد عادی اجتماع (اعم از روات و دیگران؛ یعنی همه جز رازداران اسرار امامت) چگونه بر این حقایق آگاه شدند.^۲

روح حاکم بر این عبارات که تمایزی آشکار بین وجود یک اندیشه و بروز اجتماعی آن قائل است، در سراسر کتاب حاکم نیست و تبویب و نام‌گذاری فصول و تعابیری چون پیشنهاد نظریه عصمت ائمه از سوی هشام بن حکم، موهم این است که مؤلف عملاً چگونگی کمال یافتن خود اندیشه را مدنظر قرار داده است و در پی اثبات آن است که اندیشه اثناعشری چگونه تکون و تکامل یافت.

دوباره تأکید می‌شود که این سخن به هیچ روی به مفهوم نادرست انگاشتن اظهارات مؤلف محترم در ثبات عقیده خود نیست، بلکه تنها توجه دادن به لوازم مطالبی است که در متن کتاب آمده است و با توجه به محتوای این کتاب، می‌توان آن را در عداد نظریه قائل به پیدایش تدریجی تشیع شمرد.

نکته دیگری که درباره این کتاب می‌توان گفت اینک، درباره رابطه تاریخ و کلام، از منظرهای مختلف سخن فراوان است. همان‌گونه که پیش‌فرض‌های فلسفی و ماوراءالطبیعی در هر دانشی حاکم است، مسلمات باورهای کلامی نیز بر دانش تاریخ حاکم است و مورخ نمی‌تواند و نباید خود را از آنها دور نگاه دارد؛ البته این نکته به هیچ روی اصالت و هویت و عینیت تاریخی را خدشه‌دار نمی‌سازد. این سخن مربوط به مرحله‌ای است که یک اندیشه کلامی قبلاً به اثبات رسیده باشد؛ در غیر این صورت در مرحله اثبات یک باور، یک آموزه کلامی باید عدم تعارض و بلکه سازگاری خود را با مسلمات دانش‌های دیگر از جمله تاریخ اثبات کند. این ادعا بی‌تردید باید در جایی جز اینجا اثبات شود. بر این اساس، برای یک شیعه معتقد، اگر اندیشه امامت و اعتقاد به دوازده امام و دوازدهمین امام در جای خود به صورت متقن اثبات شده و تعارضات آنها با یافته‌های تاریخی در ساحت علم

۱. مدرسی طباطبایی، مکتب در فرایند تکامل، ۱۳۸۶، ص ۱۹۹ - ۱۹۸.

۲. همان، ص ۱۹۶، پاورقی ۱.

کلام پاسخ داده شده باشد، دیگر در مرحله پژوهش تاریخی نمی‌توان با شک و تردید با آن برخورد کرد؛ برعکس، اگر خود اندیشه امامت در بوته نقد و بررسی قرار داشته باشد، در این صورت پابندی به باورهای پیشین می‌تواند اصالت تحقیق و دور بودن آن از پیش‌داوری‌ها را خدشه‌دار سازد؛ در نتیجه، یک مؤلف معتقد به تشیع اثنا عشریه نمی‌تواند یک تحقیق بی‌طرفانه درباره چگونگی پیدایش تشیع اثنا عشریه انجام دهد، مگر اینکه در مرحله پژوهش از باورهای پیشین خود دست بکشد. در این صورت اخلاق علمی و پژوهشی ایجاب می‌کند که پژوهشگر به یافته خود گردن نهد و اگر این یافته با پیش‌فرض‌ها و باورهای پیشینی او متفاوت بود، از آنها دست بشوید. بر این اساس، از منظر روش‌شناختی نوعی ناسازگاری بین مقدمه کتاب، یعنی «حکایت این کتاب» و متن کتاب وجود دارد؛ مقدمه از پیش‌فرض‌های مسلم و قطعی مؤلف درباره موضوع تحقیق حکایت می‌کند و مؤلف که در عمل به خوبی توانسته پیش‌فرض‌های خود را در تحقیق دخالت ندهد، به‌نظر می‌رسد به نتیجه‌ای جز پیش‌فرض‌های جزمی و پیشین خود رسیده است؛ بنابراین توجیهی برای پابندی به باورهای پیشین او وجود ندارد.

سه. دیدگاه منعکس‌شده در مدخل امامت «دائرةالمعارف بزرگ اسلامی»؛ آگاهی تدریجی و طبیعی و بدون برنامه‌ریزی قبلی علما و متکلمان امامیه به یک اعتقاد باسابقه مبتنی بر غیبت یکی از امامان خود و پایان یافتن سلسله امامت به شخص امام دوازدهم علیه السلام و آغاز عصر غیبت^۱ اعتقاد به پیدایش تدریجی تشیع، با تفاوت‌هایی در شیوه بیان، در *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی* نیز منعکس است:

در واقع گذشت زمان بود که امامیه و علما و متکلمان آنان را به اعتقادی باسابقه مبتنی بر غیبت یکی از امامان فراخواند که او را همان قائم آل محمد علیه السلام می‌انگاشت که در آینده ظهور خواهد کرد. این نکته به‌خوبی نشان می‌دهد چنین نبوده است که براساس طرحی، احادیثی در این زمینه تنظیم و روایت شود. بنابراین، اعتقاد به غیبت امام دوازدهم و اعتقاد به اینکه او کسی است که به‌عنوان قائم ظهور خواهد کرد، در شرایطی ابراز شد که هیچ‌گونه انگیزه خاصی که از پیش‌تر برای آن اندیشیده شده باشد، وجود نداشت. عالمان امامی با حفظ اصول خود در نفی اندیشه‌های غالیانه، به‌تدریج به این نکته آگاهی یافتند که سلسله امامت به شخص امام دوازدهم علیه السلام پایان یافته و عصر غیبت قائم آغاز شده است.^۲

بیشتر اشکالاتی که بر دو دیدگاه پیشین وارد بود، متوجه این دیدگاه نیست؛ ولی اصالت دادن به

۱. این دیدگاه در *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی* منعکس شده است.

۲. انصاری، مدخل «امامت» در *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، ج ۱۰، ص ۱۳۹، ستون اول.

عالمان شیعه در توجه یافتن به اصول از قبل موجود تشیع اثناعشری هم نمی‌تواند توجیه‌کننده همه آن چیزی باشد که درباره پیدایش تشیع اثناعشری می‌توان گفت. در این باره پرسش‌های بسیاری مطرح است که با این دیدگاه نمی‌توان به پاسخ همه آنها دست یافت. یکی از مهم‌ترین این پرسش‌ها آن است که آیا ائمه اطهار^{علیهم‌السلام} خود در این توجه یافتن نقش داشته‌اند یا نه؟ آیا به‌راستی همه آموزه‌های تشیع اثناعشری از قبل به‌صورت روشن و مدون در دسترس بود و تنها عامل مطرح نشدن آنها، غفلت علما از آن بود؟ سرانجام اینکه، این آموزه‌ها از چه زمانی وجود داشتند که در عصر غیبت ناگهان امامیه متوجه آنها شدند؟

در نگاهی کلی، انتقاد عامی که به دیدگاه‌های پیدایش تدریجی تشیع وارد است، خلط بین وجود یک اندیشه و بروز اجتماعی آن، بی‌توجهی به استدلال‌های عقلی مربوط به امامت، پررنگ کردن نقش علما و روات و متکلمان شیعه در ارائه و تبیین معتقدات امامیه به بهای نادیده انگاشتن نقش ائمه^{علیهم‌السلام}، ضعف مستندات و برداشتی فراتر از ظرفیت روش تحقیق تاریخی و به عبارت دیگر، تحمیل یک برداشت به روش تاریخی است؛ همان‌طور که با روش تحقیق تاریخی محض نمی‌توان اثبات کرد که اندیشه اثناعشریه به وضوحی که امروزه دارد، در عصر پیامبر و ائمه معصومین^{علیهم‌السلام} وجود داشته است، با همین روش نمی‌توان اثبات کرد که چنین اندیشه‌ای در آن عهد وجود نداشته است. عدم اثبات تاریخی یک اندیشه در یک دوره زمانی می‌تواند معلول عوامل مختلفی باشد که یکی از آنها این است که چنین اندیشه‌ای از اساس وجود نداشته باشد؛ ولی احتمالات دیگری هم مثل فراهم نبودن شرایط ابراز آن نیز ممکن است وجود داشته باشد. از این رو برتر نهادن یک احتمال در مقایسه با دیگر احتمالات، این دیدگاه را بیش از آنکه به یک دیدگاه علمی شبیه سازد، به یک حدس نزدیک کرده است؛ حدسی که تا وقتی با ادله علمی اثبات نشود، قابل دفاع نخواهد بود.

جمع‌بندی و پیشنهاد دیدگاه برگزیده^۱

پیش از ارائه جمع‌بندی، توجه به این نکته ضروری است که وقتی سخن از یک اندیشه است، باید بین دو ساحت متفاوت آن فرق نهاد: بین حقیقت یک مکتب و جامعه معتقد به حقیقت آن مکتب،^۲ ساحت ثبوتی اندیشه و ساحت اثباتی آن، وجود یک اندیشه و بروز اجتماعی آن، قلمرو دقایق و

۱. تدوین و ارائه شاکله و کلیات جمع‌بندی این نوشته، به حدود ده سال پیش برمی‌گردد که گزارش و یا برداشتی ناقص از آن از سوی یکی از دانشجویان درس «مفهوم و تاریخ پیدایش تشیع» بدون ذکر سند، در یکی از مجلات به چاپ رسید و اکنون با بازبینی و ویرایش و به‌دنبال بررسی یکایک دیدگاه‌ها درباره پیدایش تشیع، در معرض داوری پژوهشگران قرار می‌گیرد.

۲. مجمع عالی حکمت اسلامی، نقد و بررسی نظریه تطور تاریخی تشیع، ص ۲۰، در سخنان آقای سبحانی.

اجزای اندیشه و قلمرو طرف‌داری و پایبندی به آن، پیدایش خود اندیشه و پیدایش پیروان آن و در نهایت بین یک آموزه و اعتقاد به آن آموزه. بر همین اساس وقتی درباره تشیع سخن می‌گوییم، نباید از نظر دور بداریم که تشیع نیز دو جنبه دارد و باید بین تشیع و اعتقاد به تشیع، عقیده امامت و عقیده به امامت^۱ و به‌صورت مشخص بین تشیع و شیعیان تفاوت نهاد و معین ساخت که پرسش ما درباره تاریخ و چگونگی پیدایش تشیع اثناعشری است، یا تاریخ و چگونگی پیدایش شیعیان اثناعشری.

آنچه به ساحت اندیشه برمی‌گردد، یعنی مقومات اندیشه اثناعشریه مانند مفهوم امامت، عصمت، علم امام و تعداد ائمه^{علیهم‌السلام}، به ادله مختلف کلامی و عقلی هم‌زاد اسلام است و از همان زمان پیامبر^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} وجود داشته است. البته درباره غیبت دوازدهمین امام^{علیه‌السلام} این نکته مطرح است که اگر خواسته پیامبر^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} برای هدایت امت اسلامی به‌دست اهل‌بیت برگزیده ایشان محقق می‌شد و مسیر جامعه اسلامی به سویی دیگر نمی‌رفت، چه‌بسا نیازی به غیبت نمی‌افتاد؛ ولی روشن است که مشروط بودن این اعتقاد به شرایط سیاسی و اجتماعی خاص، ربطی به اصالت آن ندارد و می‌توان از اندیشه غیبت هم به همین صورت دفاع کرد. بنابراین تشیع به‌عنوان مفهوم و محتوای یک مکتب فکری مشخص یا همان مکتب اهل‌بیت^{علیهم‌السلام}، در زمان پیامبر^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} شکل گرفت؛ درواقع تشیع همان اسلام خالص و ناب محمدی است و نمی‌توان پیدایش آن را به دوره‌های بعد منسوب کرد. اگر قرار باشد به‌جای اثبات وجود شیعه در عهد پیامبر^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} به اثبات وجود تشیع و اندیشه شیعی در آن روزگار بپردازیم، دیگر بسنده کردن به چند روایت که در آنها کلمه شیعه به‌کار رفته باشد، از ظرفیت لازم برای اثبات همه جوانب فکری اثناعشریه قاصر است و نمی‌توان به آن استناد کرد. در این صورت همه آنچه درباره اهل‌بیت پیامبر و منزلت و ویژگی‌های آنها و فضائل علی^{علیه‌السلام} در قرآن و سنت پیامبر^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} آمده است، می‌تواند به‌عنوان جلوه‌های نخست آموزه‌های شیعی مدنظر قرار گیرد؛^۲ یعنی تمام دیدگاه‌هایی که قائل به پیدایش تشیع در عصر پیامبر بودند،^۳ می‌توانند حظی از واقع داشته باشند، مشروط بر آنکه وجود اندیشه با وجود یک جامعه از پیروان و طرفداران، یکی انگاشته نشود.

شاید چنین به‌نظر آید که سخن گفتن از وجود تفکر شیعی در عصر پیامبر^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم}، تلویحاً دلالت بر این دارد که گویی تفکر شیعی چیز جز اندیشه‌های پیامبر^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} بوده است؛ ولی با یکی دانستن اندیشه شیعی با اسلام خالص و ناب محمدی، گرچه مقطع تکون تشیع به عصر پیامبر^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} بازگردانده می‌شود، اما به دام دوگانه انگاشتن تشیع و اسلام دچار نمی‌آییم.

۱. مجمع عالی حکمت اسلامی، نقد و بررسی نظریه تطور تاریخی تشیع، ص ۲۴، در سخنان آقای یوسفی غروی.

۲. برای بحثی دیگر در این زمینه ر.ک به: آقائوری، خاستگاه تشیع، ص ۱۲۴ - ۱۲۳.

۳. جز دیدگاه جامعه‌محور که برخلاف مسلمات باورهای شیعی است.

ولی در مقام بروز اجتماعی، یعنی شکل‌گیری گروه و جامعه شیعی، ماجرا به شکل دیگری است. درست است که یک اندیشه در خلأ نقش نمی‌بندد و بر زبان اندیشه‌ورزان و باورمندان به آن جاری می‌شود، اما این‌گونه نیست که نخستین کسانی که به نام شیعه یا امامیه خوانده شدند و یا ما آنها را به این نام می‌خوانیم، همگی به باورهای تشیع اثناعشری به مفهوم امروزی آن معتقد بودند؛ از سوی دیگر هم نمی‌توان ادعا کرد هیچ‌کس نبوده است که چنین باوری داشته باشد. بروز اجتماعی تشیع به‌عنوان یک جریان مشخص فکری و سیاسی به صورتی کم‌رنگ در عصر خود پیامبر(ﷺ) وجود داشت، ولی گسترش آن به مقطع زمانی بعد از رحلت ایشان برمی‌گردد؛ به این معنا که پیامبر و ائمه(ع) به تدریج و حسب شرایط جامعه، ابعاد مختلف این فکر را تبیین کردند و این‌گونه نبود که از همان روز نخست، همه ابعاد فکری و اخلاقی تشیع بر همگان معلوم بوده باشد. به قراین مختلف و مستند به بررسی‌های تاریخی، جای هیچ‌گونه تردیدی نیست که حداقل امامان شیعه(ع) و خواص یاران آنها از همان نخست به جزئیات این تفکر آشنایی داشته‌اند، ولی همه ابعاد و اضلاع اندیشه تشیع اثناعشری از همان آغاز به صراحت و روشنی برای همه مردم بیان نشده بود.

گرچه هنوز تحقیقی درخور درباره سیر تحول ارائه و تبیین اندیشه امامت از سوی ائمه اطهار(ع) صورت نگرفته است، ولی با یک بررسی اجمالی هم می‌توان وجود یک سیر منطقی در این زمینه را حدس زد. فرایند به‌هم پیوسته و متسلسل وجود آیاتی از قرآن^۱ و وجود آموزه‌های نبوی درباره اهل بیت(ع) و ویژگی‌های آنها^۲ و جایگاه و ویژگی‌های امامت در کلام امیرالمؤمنین علی(ع) و یکایک امامان جانشین وی^۳، نشان‌دهنده سیر تدریجی و بالنده بیان این آموزه‌ها در گذر ایام است.

۱. درباره بحث امامت در قرآن، به‌عنوان نمونه ر.ک به: مجلسی، امام‌شناسی، فصل‌های ۱۰ - ۸، ص ۲۶۵ - ۲۰۷؛ مظفر، دلائل الصدیق، ج ۵؛ مطهری، مجموعه آثار، ج ۴، ص ۹۳۰ - ۹۰۹ با عنوان «امامت در قرآن»؛ مکارم الشیرازی، آیات الولاية فی القرآن؛ جمعی از نویسندگان، امامت پژوهی (بررسی دیدگاه‌های امامیه، معتزله و اشاعره)، ص ۳۰۲ - ۱۷۵.

۲. این آموزه‌ها به گستردگی در منابعی همچون الموسوی الکهنوی، عقبات الانوار فی امامة الائمه الاطهار، و الامینی، العتیر و مانند آن آمده است.

۳. درباره اندیشه امامت در آموزه‌های امیرالمؤمنین(ع) ر.ک به: کلیه مدخل‌های مرتبط در فهرست موضوعی نهج البلاغه؛ برای اندیشه امامت در آموزه‌های امام باقر(ع) ر.ک به: احمدی، نقش امام محمد باقر(ع) در تدوین و تبیین مذهب امامیه. براساس یافته‌های این پایان‌نامه، امام(ع) با استفاده از روش‌هایی مانند نقل تاریخ گذشتگان، محور قرار دادن قرآن و پاسخ به پرسش‌های دیگران، شش محور زیر را درباره امامت مورد بررسی قرار داده است: جایگاه امام و امامت، اطاعت از امام، مرجعیت علمی امام، منصوص بودن امام، عصمت امام و غیبت و انتظار؛ لالانی، نخستین اندیشه‌های شیعی، فصل چهارم، ص ۱۱۹ - ۸۳ بنا به نوشته مؤلف این کتاب، تعبیر و تفسیر امام محمدباقر(ع) از امامت چنین است:

«در نظر او (امام محمدباقر(ع)) امامت مانند نبوت امری الهی و مبتنی بر قرآن است. وی سپس نظریات خود را

تدریجی بودن آشنایی پیروان اهل بیت علیهم‌السلام با احکام و معارف دینی، به‌صراحت از سوی ائمه اطهار علیهم‌السلام نیز بیان شده است. امام صادق علیه‌السلام در حدیثی خطاب به ابوالیسع عیسی بن سری فرموده‌اند: شیعیان تا قبل از امامت امام باقر علیه‌السلام مناسک حج و حلال و حرام خود را نمی‌دانستند، تا اینکه امام باقر علیه‌السلام آمد و این مطالب را به آنها آموخت و شرایط به‌گونه‌ای تغییر کرد که اگر تا پیش از این، شیعیان نیازمند مردم بودند تا دین خود را فراگیرند، اکنون مردم به آنها نیازمند شده بودند.^۱

تدریجی بودن ارائه جزئیات یک اندیشه، امری غیر طبیعی و ویژه تشیع اثنا عشری نیست؛ همان‌گونه که در سیر بعثت انبیا این تدرج به چشم می‌خورد و نمی‌توان این تدرج را تکامل

با تأکید نهادن بر احادیث نبوی که شباهت و قرابت میان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و علی علیه‌السلام را تبیین می‌کند، روشن می‌سازد. این امر بعداً در بحث‌های کلامی او درباره امامت بازتاب می‌یابد؛ در این بحث‌هاست که وی صفاتی را که یک امام باید داشته باشد، توصیف می‌کند. امام را باید به‌علت داشتن صفاتی ذاتی از جمله علم و عصمت، پیروی کرد. (همان، ص ۸۳) برای بررسی درباره تحول گفتمان امامت در سه قرن نخست ر.ک به: بهرامی خشنودی، *تطور تاریخی گفتمان امامت تا نیمه قرن سوم هجری*.

۱. قدیم‌ترین نقل این روایت در *الکافی* آمده است. مرحوم کلینی در کتاب «الایمان و الکفر» در بابی با عنوان «دعائم الاسلام» به دو طریق مختلف این روایت را ثبت کرده است: «... ثُمَّ كَانَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ أَبَا جَعْفَرٍ وَكَانَتِ الشَّيْعَةُ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ أَبُو جَعْفَرٍ وَهُمْ لَا يَعْرِفُونَ مَنَاسِكَ حَجَّهِمْ وَحَلَالَهُمْ وَحَرَامَهُمْ حَتَّى كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ فَفَتَحَ لَهُمْ وَبَيْنَ لَهُمْ مَنَاسِكَ حَجَّهِمْ وَحَلَالَهُمْ وَحَرَامَهُمْ حَتَّى صَارَ النَّاسُ يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا كَانُوا يَحْتَاجُونَ إِلَى النَّاسِ وَهَكَذَا يَكُونُ الْأَمْرُ ...» (الکلینی، *الکافی*، ج ۲، ص ۲۱ - ۱۹ و در چاپ جدید: همو، *الکافی*، ۱۴۲۹، ج ۳، ص ۶۰ - ۵۷ با اشاره به همه نسخه بدل‌ها و اهم شروح. کشی نیز در *رجال* خود در مدخل ابوالیسع عیسی بن السری (ش ۷۹۹) این حدیث را با تفاوت‌هایی اندک نقل کرده است: «... قَالَ: ثُمَّ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، ثُمَّ كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ، وَكَانَتِ الشَّيْعَةُ قَبْلَهُ لَا يَعْرِفُونَ مَا يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ مِنْ حَلَالٍ وَلَا حَرَامٍ إِلَّا مَا تَعَلَّمُوا مِنَ النَّاسِ، حَتَّى كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ فَفَتَحَ لَهُمْ وَبَيْنَ لَهُمْ وَعَلَّمَهُمْ، فَصَارُوا يَعْلَمُونَ النَّاسَ بَعْدَ مَا كَانُوا يَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمْ، وَالْأَمْرُ هَكَذَا يَكُونُ ...» (الکشی، *اختیار معرفة الرجال*، ص ۴۲۵ - ۴۲۴؛ همو، *اختیار معرفة الرجال مع تعليقات ميرداماد الاسترآبادی*، ج ۲، ص ۷۲۴ - ۷۲۳) میرداماد استرآبادی در تعلیقه‌ای درباره ابوالیسع عیسی بن سری آورده است که او تقه‌ای است که هیچ طعنی درباره او نیست و نجاشی او را توثیق کرده و او از بزرگان اصحاب امام صادق علیه‌السلام است. مرحوم مجلسی هم این روایت را در کتاب «الامامه» جلد بیست و سوم بحار و در حدیث ۳۵ باب چهارم از ابواب «جمل احوال الائمه الکرام و دلائل امامتهم و فضائلهم ...» آورده است. عنوان باب چهارم هم چنین است: «وجوب معرفة الإمام و أنه لا يعذر الناس بترك الولاية و أن من مات لا يعرف إمامه أو شك فيه مات ميتة جاهلية و كفر و نفاق.» (مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۲۳، ص ۹۰ - ۸۹) با توجه به اینکه امام صادق علیه‌السلام در صدر این روایت به آیه ۵۹ سوره مبارکه نساء هم اشاره کرده است، این روایت با تفاوت‌هایی جزئی در برخی متون تفسیری هم ذکر شده است، از جمله در عیاشی، *کتاب التفسیر*، ج ۱، ص ۲۵۳ - ۲۵۲؛ قمی، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، ج ۳، ص ۴۴۳؛ البحرانی، *البرهان فی تفسیر القرآن*، ج ۲، ص ۱۱۴ - ۱۱۳. اختلاف متن حدیث در نقل‌های مختلف اندک است؛ از جمله در عبارت «... حتی کان أبو جعفر علیه‌السلام ففتح لهم ...»، کلمه «فتح» گاه «فتح» و گاه «فجج» و گاه «فنهج لهم» ضبط شده است. نیز «بین لهم و علمهم» نیز گاه به‌صورت «بین لهم و علیهم» ضبط شده است. در تفسیر عیاشی، نام راوی به‌صورت «یحیی بن السری» آمده که به گفته مصحح کتاب احتمالاً تصحیف باشد.

آموزه‌های وحیانی خواند؛ چنان‌که قرآن در کنار نزول دفعی که آن را «انزال» خوانده‌اند، یک سیر نزول تدریجی هم دارد که آن را «تنزیل» نامیده‌اند و نمی‌توان سیر نزول تدریجی قرآن را تکامل آموزه‌های قرآنی طی ۲۳ سال خواند. همین‌طور پیامبر ﷺ طی ۲۳ سال به تدریج در مسائل مختلف موضع گرفتند و دیدگاه خود را بیان فرمودند و این فرایند را نمی‌توان فرایند تکاملی اندیشه‌های ایشان نامید.^۱ همچنین هر اندیشمند دیگری هم در پی پرسش‌های دیگران و یا با مناسب تشخیص دادن شرایط، به تبیین بیشتر اندیشه‌های خود می‌پردازد و نمی‌توان صرف این امر را تکامل اندیشه‌های او شمرد؛ بلکه باید تبیین بیشتر آن نامید. به‌عنوان مثال اگر امام خمینی ﷺ با مشاهده برداشت‌های ناصوبی از اندیشه‌هایش به تبیین و توضیح دیدگاه خود پرداخته باشد، نمی‌توان این اقدام امام را به‌منزله تکامل تدریجی نظریه‌های ایشان شمرد، درباره معتقدات تشیع اثناعشری هم موضوع از همین قرار است. بررسی تاریخی حکایت‌گر به‌هم‌پیوستگی منطقی و معنادار آموزه‌های تشیع در عصر امامان مختلف بوده و نشان‌دهنده آن است که ائمه بر آن بودند که براساس معیارها و ضوابط و شرایط مختلف، آن را به تدریج مطرح سازند.

این شیوه تحلیل را می‌توان عیناً درباره اندیشه‌های اهل سنت هم مطرح ساخت. آیا اهل سنت می‌توانند ادعا کنند تمامی معتقدات آنها به صورتی که امروزه وجود دارد، در عهد پیامبر ﷺ هم وجود داشته است؟^۲ آیا نظریه‌های مربوط به مشروعیت حکومت به صورتی که در منابع متأخر آنان منعکس است، در زمان پیامبر ﷺ نیز مطرح بوده است؟

این روند که ائمه اطهار ﷺ خود پایه‌گذار آن بودند، در عصر غیبت صغرا و کبرا هم از سوی علمای بزرگوار شیعه پی گرفته شد و هریک از آنها به فراخور نیازها و نگرانی‌های جامعه، به تبیین بیشتر آموزه‌های تشیع اثناعشری پرداختند.

شاید بتوان پاره‌ای از دیدگاه‌ها را بسیار نزدیک و حتی مشابه این دیدگاه شمرد؛ ازجمله عبدالله نعمه که گفته است شیعه به‌عنوان یک فرقه و مذهب در سقیفه بروز کرد، اما به‌عنوان یک قضیه در عهد رسول ﷺ، زاده شد.^۳

نیز دیدگاه آقای خراسان که چنین گفته است:

... أن التشيع بمحتواه الشيعي و بما لهذه الكلمة من دلالة عند الشيعة أصيل
اصالة الاسلام و جزء من محتواه و هو ليس كغيره من الطوائف و الفرق الطائفة التي

۱. آقائوری، خاستگاه تشیع، ص ۱۲۳ - ۱۲۲.

۲. همان.

۳. نعمه، روح التشيع، ص ۳۰.

کانت ولیده ظروف و احداث معینه کما احصتها المؤلفات فی الفرق الاسلامیه و
مجامیع التاریخ.^۱

بنابراین با رهیافتی تاریخی می‌توان در جمع‌بندی و به‌عنوان سخن آخر چنین گفت که تشیع به‌عنوان مفهوم و محتوای یک مکتب فکری مشخص یا همان مکتب اهل‌بیت^{علیهم‌السلام}، در زمان پیامبر^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} شکل گرفت؛ یعنی تشیع همان اسلام خالص و ناب محمدی است و نمی‌توان پیدایش آن را به دوره‌های بعد منسوب کرد؛ به این معنا که قرآن، پیامبر و ائمه^{علیهم‌السلام} به‌تدریج و حسب شرایط جامعه، ابعاد مختلف این فکر را تبیین کردند. البته این گونه نبود که از همان روز نخست همه ابعاد فکری و اخلاقی تشیع بر همگان معلوم بوده باشد؛ بلکه طبعاً با وجود اندیشه تشیع از عصر پیامبر^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم}، شیعیان به‌تدریج با هدایت قرآن، پیامبر و ائمه^{علیهم‌السلام} با ابعاد مختلف این تفکر آشنا شدند، به‌گونه‌ای که با آغاز عصر غیبت، هیچ ابهامی در این زمینه به‌ویژه برای خواص باقی نمانده بود. بر همین اساس شواهد تاریخی دلالت دارند که گروه و جماعت شیعی اثناعشری رفته‌رفته به‌عنوان یک جریان اجتماعی و سیاسی شکل گرفتند و با شروع عصر غیبت، این گروه از همه ویژگی‌های یک جریان اجتماعی و سیاسی و مذهبی اثرگذار برخوردار بودند.

این گروه در سیر تحول و در مقام تبیین اندیشه‌های خود و یا دفاع از آنها با محوریت ائمه^{علیهم‌السلام} اندیشه‌های نخستین را استمرار و هم‌زمان بسط داده‌اند. روشن است که رویدادهای سیاسی مهم مانند ماجرای سقیفه، به خلافت رسیدن امیرالمؤمنین علی^{علیه‌السلام}، شهادت امام حسین^{علیه‌السلام} و بسط ید نسی امام صادق^{علیه‌السلام} در عهد خلافت بنی‌امیه، هریک در روند فعالیت‌ها و نوع موضع‌گیری‌های این گروه مؤثر بوده است.

امید است سیر بیان و تبیین اندیشه امامت در سه لایه به‌هم پیوسته قرآن، آموزه‌های نبوی و آموزه‌های علوی، از سوی پژوهشگران به‌درستی تدوین شود تا وجه اصلی و ناشناخته این موضوع از بوته اجمال و ابهام بیرون آید.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج‌البلاغه، شریف رضی، ترجمه محمد دشتی، بی‌جا، زهد، چ هفتم، ۱۳۸۶.
۳. ابن‌اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن محمد الجزری، *اسد الغابه فی معرفة الصحابه*، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹ ق / ۱۹۸۹ م.

۱. الخرسان، نشأة التشیع، ص ۳۱ - ۳۰.

۴. ابن اعثم الکوفی، ابو محمد، کتاب الفتوح، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالاضواء، ط اولی، ۱۴۱۱ ق.
۵. ابن العمرانی، محمد بن علی بن محمد، الإنباء فی تاریخ الخلفاء، تحقیق قاسم السامرائی، القاهرة، دار الآفاق العربیه، ط اولی، ۱۴۲۱ ق / ۲۰۰۱ م.
۶. ابن الندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، القاهرة، المكتبة الثقافیه، بی تا.
۷. ابن بهر یز، حدود المنطق (به همراه کتاب المنطق ابن مقفع)، تهران، انجمن حکمت و فلسفه ایران، چ اول، ۱۳۵۷.
۸. ابن حجر العسقلانی، احمد بن علی، الاصابه فی تمییز الصحابه، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت، دار الکتب العلمیه، ط اولی، ۱۴۱۵ ق / ۱۹۹۵ م.
۹. ابن حزم ظاهری، علی بن احمد، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۶ ق / ۱۹۸۶ م.
۱۰. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، تاریخ ابن خلدون، تحقیق خلیل شحاده، بیروت، دارالفکر، ط ثانیه، ۱۴۰۸ ق / ۱۹۸۸ م.
۱۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق / ۱۹۸۸ م.
۱۲. آتام، تورگوت، «نظریه پیدایش تشیع در زمان پیامبر اسلام (ص)»، سخن تاریخ، شماره ۳، تابستان ۱۳۸۷.
۱۳. احمدی، محمدحسن، نقش امام محمد باقر (ع) در تدوین و تبیین مذهب امامیه، پایان نامه کارشناسی ارشد ناپیوسته تاریخ تشیع، راهنما: دکتر محسن الویری، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، زمستان ۱۳۸۶.
۱۴. الاشعری قمی، سعد بن عبدالله ابی خلف، کتاب المقالات و الفرق، تصحیح محمدجواد مشکور، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، چ دوم، ۱۳۶۰.
۱۵. الویری، محسن، «تأملاتی پیرامون چیستی هویت؛ جوهره فرهنگی سند چشم انداز»، مجموعه مقالات همایش ملی سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ (ظرفیت ها و بایستگی ها؛ چالش ها و فرصت ها)، جلد ۱، دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، اسفند ۱۳۸۵.
۱۶. _____، «نقد نظریه ای در پیدایش شیعه اثنی عشریه»، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، شماره ۲، زمستان ۱۳۷۴، ص ۸۶ - ۵۱.
۱۷. آقانوری، علی، خاستگاه تشیع و پیدایش فرقه های شیعی در عصر امامان، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵.

۱۸. امین، احمد، *فجر الاسلام*، قاهره، بی‌نا، ط خامسه، بی‌تا.
۱۹. الامین، السید محسن، *عقاید الامامیه (المجلد الاول و الثاني لأعيان الشيعة)*، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۰۶ ق.
۲۰. الامینی، عبدالحسین، *الغدیر*، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۳۷۸ ق.
۲۱. انصاری، حسن، مدخل «امامت» در *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، ج ۱۰، زیر نظر کاظم موسوی بجنوری، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۰.
۲۲. باقرآباد، افشار، *گونه‌شناسی در: <http://aghorbani.blogfa.com/post-37.aspx>*.
۲۳. البحرانی، السید هاشم، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تحقیق قسم الدراسات الاسلامیه لمؤسسة البعثة بقم، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ ق.
۲۴. البدري، سامی، *الرد على الشبهات التي أثارها احمد الكاتب حول العقيدة الاثني عشرية*، بی‌جا، نشر حبیب، ۱۴۱۷ ق.
۲۵. بدري، سامی، *پاسخ به شبهات احمد الكاتب*، ترجمه ناصر ربیعی، قم، انوار الهدایه، ۱۳۸۰ ق.
۲۶. بروکلیمان، کارل، *تاریخ الشعوب الاسلامیه*، نقله الی العربیة: نبیه امین فارس و منیر البعلبکی، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۹۸ م.
۲۷. بغدادی، عبدالقادر بن طاهر بن محمد، *الفرق بین الفرق*، بیروت، المكتبة العصرية، ط ثالثة، ۱۳۵۸ ق.
۲۸. البغدادی، عبدالقاهر بن طاهر بن محمد، *الفرق بین الفرق*، تحقیق محمد محی‌الدین عبدالحمید، بیروت، دارالمعرفه، بی‌تا.
۲۹. بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، *انساب الاشراف*، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دارالفکر، ط اولی، ۱۴۱۷ ق.
۳۰. بهرامی خشنودی، مرتضی، *تطور تاریخی گفتمان امامت تا نیمه قرن سوم هجری*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد ناپیوسته تاریخ تشیع، استاد راهنما: دکتر ستار عودی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، زمستان ۱۳۸۶.
۳۱. بیرو، آلن، *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه باقر ساروخانی، تهران، کیهان، چ سوم، ۱۳۷۵.
۳۲. بیضون، ابراهیم، «عبدالله بن سبا»، *المنهاج*، بیروت، مرکز الغدیر للدراسات، العددان ۱ و ۲، ربیع و صیف ۱۹۹۶ م.
۳۳. پاکتچی، احمد، مدخل «امامیه» در *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، ج ۱۰، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۰.

۳۴. التهانوی، محمد علی (۱۵۸۱ق)، *کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم*، ۲ ج، بیروت، مکتبه لبنان، ط اولی، ۱۹۹۶ م.
۳۵. توسلی، غلامعباس، *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران، سمت، چ پانزدهم، ۱۳۸۸.
۳۶. جبرئیلی، محمدصفر، «تأملی در مکتب در فرایند تکامل»، *قیسات*، شماره ۴۵، پاییز ۱۳۸۶.
۳۷. الجرجانی، السید الشریف علی بن محمد، *کتاب التعریفات*، تهران، ناصر خسرو، چ چهارم، ۱۳۷۰.
۳۸. جعفری، سید حسین محمد، *تشیع در مسیر تاریخ*، ترجمه سید محمد تقی آیت‌اللهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ سوم، ۱۳۶۸.
۳۹. جعفریان، رسول، *اطلس شیعه*، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۷.
۴۰. جعفریان، رسول، *تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن دهم*، قم، انصاریان، ۱۳۷۵.
۴۱. جمعی از نویسندگان، *امامت پژوهی (بررسی دیدگاه‌های امامیه، معتزله و اشاعره)*، زیر نظر محمود یزدی مطلق (فاضل)، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چ اول، ۱۳۸۱.
۴۲. الجوهري، اسماعیل بن حماد، *الصحاح*، ۶ ج، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، بیروت، دار العلم للملایین، چ دوم، ۱۳۷۶ ق.
۴۳. الحبري الكوفي، ابو عبدالله حسين بن حکم، *تفسير الحبري*، بیروت، مؤسسه آل‌البیت علیه السلام لإحياء التراث، ط اولی، ۱۴۰۸ ق.
۴۴. حسن، حسن ابراهیم، *تاریخ الاسلام*، بیروت، دارالجليل، القاهرة، مکتبه النهضة المصریه، ۱۴۱۶ق / ۱۹۹۶ م.
۴۵. حسنی رازی، سید مرتضی بن داعی، *تبصرة العوام فی معرفة مقالات الانام*، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران، اساطیر، چ دوم، ۱۳۶۴.
۴۶. حسین، طه، *الفتنة الكبرى*، ج ۱، مصر، دارالمعارف، ط ثمانیه، بی‌تا.
۴۷. حسینی روحانی، مهدی، *بحوث مع اهل السنة و السلفیه (رسالة تبحث فی عدة مسائل مهمه يختلف فيها الشيعة و اهل السنة عامة و الحنابلة السلفية خاصة)*، قم، المکتبه الاسلامیه، چ اول، ۱۳۹۹ ق / ۱۹۷۹ م.
۴۸. حسینی، غلام احیاء، *شیعه پژوهی و شیعه پژوهان انگلیسی‌زبان*، زیر نظر دکتر محسن الویری و دکتر عباس احمدوند، قم، شیعه‌شناسی، ۱۳۸۷.
۴۹. الخرسان، السید طالب، *نشأة التشیع*، قم، الشریف الرضی، ط اولی، ۱۴۱۲ ق / ۱۹۹۱ م.
۵۰. خسروشاهی، سید هادی، *عبدالله بن سبأ بین الواقع و الخیال: دراسة تاریخیه تحلیله علی ضوء آراء*

۵۱. *العلماء و الباحثين*، تهران، المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الاسلاميه، ۱۴۲۶ ق / ۲۰۰۵ م.
۵۲. خضری، سید احمد رضا، *تشیع در تاریخ، پژوهشی در مبانی اعتقادی، تاریخ سیاسی و حکومت‌های شیعه از آغاز تا پایان دوره صفوی*، قم، دفتر نشر معارف، چ اول، ۱۳۹۱.
۵۳. *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم موسوی بجنوری، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۰.
۵۴. الدینوری، ابوحنیفه احمد بن داود، *الاخبار الطوال*، تحقیق عبدالمنعم عامر، مراجعه جمال‌الدین شبال، قم، الرضی، بی‌تا.
۵۵. راد، منوچهر، *درون‌فهمی: تحلیل منطقی و معناشناختی برخی از مفاهیم اساسی علوم اجتماعی*، ج ۱، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۵۷.
۵۶. رزاقی موسوی، سید قاسم، *بررسی سیر مطالعات شیعی در غرب انگلیسی‌زبان در یک‌صد سال اخیر*، قم، حوزه علمیه قم، ۱۳۹۱.
۵۷. رضایی، مجید، «تأملی در حدیث و درک تاریخی عقاید»، *نقد و نظر*، شماره ۹، ۱۳۷۵.
۵۸. الزین عاملی، محمدحسین، *الشیعة فی التاريخ*، بیروت، دار الآثار، ط ثانیه، ۱۳۹۹ ق / ۱۹۷۹ م.
۵۹. سبحانی، جعفر، «تشیع از چه زمانی پدید آمده است؟» در: <http://www.shafaqna.com/persian/component/k2/item/15840.html>
۶۰. السبحانی، جعفر، *الاضواء علی عقائد الشیعة الامامیه*، قم، مؤسسه الامام الصادق (ع)، بی‌تا.
۶۱. سعید، حسن، *الرسول و الشیعه*، تهران، کتابخانه مسجد چهل ستون، ۱۳۹۸ ق.
۶۲. _____، *الرسول و الشیعه*، کویت، مکتبه الالفین، بی‌تا.
۶۳. _____، *شناخت شیعه*، ترجمه مهدی پیشوایی، تهران، کتابخانه مسجد چهل ستون، اصفهان، حسینیه عمادزاده، چ دوم، ۱۳۷۵.
۶۴. سلسه نشست‌های نقد کتاب گروه تاریخ تشیع پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت (ع) پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، «نشست سوم: نقد کتاب مکتب در فرایند تکامل: جلسه اول»، «نشست چهارم: نقد کتاب مکتب در فرایند تکامل: جلسه دوم»، ص ۱۶۵ - ۶۳.
۶۵. سیوطی، جلال‌الدین، *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۶۶. شفیع، سعید، «دسته‌بندی‌های شیعیان در عصر صادقین (ع)»، *فصلنامه شیعه‌شناسی*، سال چهارم، شماره ۱۵، پاییز ۱۳۸۵، ص ۲۳۳ - ۱۹۹.
۶۷. الشهرستانی، ابوالفتح محمد بن عبدالکریم، *الملل و النحل (در حاشیه الفصل فی الملل و الاهواء و النحل)*، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۶ ق / ۱۹۸۶ م.

- ۴۸ □ فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، س ۳، پاییز ۹۱، ش ۸
۶۷. شبی، کامل مصطفی، *الصلة بين التصوف والتشيع*، بیروت، دارالاندلس، ۱۹۸۲ م.
۶۸. شیرازی، صدرالدین سید علی خان مدنی، *الدرجات الرفیعه فی طبقات الشیعه*، قم، مکتبه بصیرتی، چ دوم، ۱۳۶۷.
۶۹. الصدر، السید محمدباقر، *نشأة التشيع و الشیعه*، تحقیق عبدالجبار شراره، مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه، چ سوم، ۱۴۱۷ ق / ۱۹۹۷ م.
۷۰. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۰۵۰ق)، *الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه*، ۹ ج، بیروت، دار احیاء التراث، چ سوم، ۱۹۸۱ م.
۷۱. الصدوق، محمد بن علی بن بابویه، *الاعتقادات*، قم، المؤتمر العالمی للشیخ المفید، چ دوم، ۱۴۱۴ ق.
۷۲. طباطبایی، سید محمدحسین، *رسالت تشیع در دنیای امروز (گفت‌وگویی با هانری کرین)*، به کوشش: علی احمدی میانجی و سید هادی خسروشاهی، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۷.
۷۳. _____، *شیعه؛ مجموعه مذاکرات با پروفیسور هانری کرین*، به کوشش سید هادی خسروشاهی، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۷.
۷۴. _____، *شیعه؛ مذاکرات و مکاتبات پروفیسور هانری کرین با علامه سید محمدحسین طباطبایی*، ویراست ۲، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، چ ششم، ۱۳۸۸.
۷۵. الطوسی، محمد بن الحسن، *العقائد الجعفریه*، تصحیح ابراهیم بهادری، قم، مکتبه النشر الاسلامی، ط اولی، ۱۴۱۱ ق.
۷۶. عبدالباقی، محمد فؤاد، *المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم*، القاهرة، دار الکتب المصریه، ۱۹۶۴ م.
۷۷. عبدالرزاق، علی، *الاسلام و اصول الحکم*، بیروت، مکتبه الحیاه، بی تا.
۷۸. عسکری، سید مرتضی، *عبدالله بن سبأ و اساطیر اخری*، بیروت، دارالکتب، ۱۳۹۳ ق.
۷۹. عیاشی، محمد بن مسعود، *کتاب التفسیر*، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ ق.
۸۰. غریفی، السید عبدالله، *التشيع، نشوئه، مراحلہ، مقوماتہ*، بیروت، دارالتقلین، چ سوم، ۱۴۱۵ ق / ۱۹۹۴ م.
۸۱. غفاری فر، حسن، *تحلیلی بر چگونگی شکل‌گیری شیعه در صدر اسلام با رویکردی جامعه‌شناختی*، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۰.
۸۲. فرغل، یحیی هاشم حسن، *عوامل و اهداف نشأة علم الکلام*، بی جا، مجمع البحوث الاسلامیه، ۱۳۹۲ ق.
۸۳. فولر، گراهام ای، رند رحیم، فرانکه، *شیعیان عرب: مسلمانان فراموش‌شده*، ترجمه خدیجه تبریزی، قم، مؤسسه شیعه‌شناسی، ۱۳۸۲.

۸۴. فیاض، عبدالله، *پیدایش و گسترش تشیع (ترجمه کتاب تاریخ امامیه)*، ترجمه جواد خاتمی، با مقدمه شهید محمدباقر صدر، سبزوار، ابن‌یمین، ۱۳۸۲.
۸۵. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، *القاموس المحيط*، ۴ ج، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م.
۸۶. قمی، مهدی محمد بن محمدرضا، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تصحیح حسین درگاهی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ اول، ۱۳۶۸.
۸۷. الکاتب، احمد، *تطور الفكر السياسي الشيعي من الشورى الى ولاية الفقيه*، بیروت، دارالجديد، ۱۹۹۸ م.
۸۸. کاشف الغطاء، *اصل الشيعه و اصولها*، تحقیق علاء آل‌جعفر، قم، مؤسسه امام علی علیه السلام، چ اول، ۱۴۱۵ ق.
۸۹. کاشف الغطاء، الشیخ جعفر، *العقائد الجعفریه*، تصحیح السید مهدی شمس‌الدین، قم، انصاریان، چ سوم، ۱۴۲۵ ق.
۹۰. الکشی، محمد بن عمر، *اختیار معرفة الرجال*، تصحیح حسن مصطفوی، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، چ اول، ۱۴۰۹ ق.
۹۱. الکشی، محمد بن عمر، *اختیار معرفة الرجال*، مع تعلیقات میرداماد الاسترآبادی، تصحیح مهدی رجایی، قم، مؤسسه آل‌البت علیه السلام، چ اول، ۱۳۶۳.
۹۲. الکلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، ۱۵ ج، قم، دار الحديث، ط اولی، ۱۴۲۹ ق.
۹۳. _____، *الکافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۹۴. کولبرگ، اتان، «از امامیه تا اثنی عشریه»، ترجمه محسن الویری، *فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام*، شماره ۲، زمستان ۱۳۷۴، ص ۲۲۰ - ۲۰۱.
۹۵. گلپینارلی، عبدالباقی، *مذاهب اسلامی و تشیع در مسیر تاریخ*، قم، انصاریان، چ دوم، ۱۴۱۱ ق.
۹۶. گولتسیهر، ایگناتس، *العقیده و الشریعة فی الاسلام*، نقله الی العربیه و علق علیه: محمد یوسف موسی، علی حسن عبدالقادر و عبدالعزیز عبدالحق، القاهرة، بی‌نا، ط ثانیه، بی‌تا.
۹۷. لالانی، ارزینا. *آر، نخستین اندیشه‌های شیعی، تعلیم امام محمد باقر علیه السلام*، ترجمه دکتر فریدون بدره‌ای، تهران، نشر و پژوهش فرزاد روز، ۱۳۸۱.
۹۸. اللیثی، سمیرة مختار، *جهاد الشيعه فی العصر العباسی الاول*، وثق اصوله و حقه و علق علیه: سامی الغریبی، قم، مؤسسه دار الکتب الاسلامی، ۱۴۲۸ ق.
۹۹. مجلسی، محمدباقر، *امام‌شناسی (جلد ۵ حیات القلوب)*، قم، سرور، چ ششم، ۱۳۸۴.

۱۰۰. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ دوم، ۱۴۰۳ ق.
۱۰۱. مجمع البحوث الاسلامیة، *شرح المصطلحات الفلسفیه*، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه، چ اول، ۱۴۱۴ ق.
۱۰۲. مجمع عالی حکمت اسلامی، *نقد و بررسی نظریه تطور تاریخی تشیع*، قم، مجمع عالی حکمت اسلامی، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۸.
۱۰۳. محرمی، غلامحسین، *تاریخ تشیع*، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۲.
۱۰۴. مدرسی طباطبایی، حسین، *مکتب در فرایند تکامل: نظری بر تطور مبانی فکری تشیع در سه قرن نخستین*، ترجمه هاشم ایزدپناه، نیوجرسی، مؤسسه انتشاراتی داروین، ۱۳۷۲.
۱۰۵. مدرسی طباطبایی، حسین، *تطور المبانی الفکریه للتشیع فی القرون الثلاثة الاولى*، ترجمه فخری مشکور، مراجعه: محمد سلیمان، قم، نور وحی، ط اولی، ۱۴۲۳ ق.
۱۰۶. _____، «تکامل مفهوم امامت در بعد سیاسی و اجتماعی»، ترجمه هاشم ایزدپناه، *نقد و نظر*، شماره ۸- ۷، ۱۳۷۵.
۱۰۷. _____، «مناظرات کلامی و نقش شیعیان»، ترجمه هاشم ایزدپناه، *نقد و نظر*، شماره ۴- ۳، ۱۳۷۴.
۱۰۸. _____، «یادداشتی بر یک نقد»، *نقد و نظر*، شماره ۱۱- ۱۰، ۱۳۷۵.
۱۰۹. _____، *مکتب در فرایند تکامل: نظری بر تطور مبانی فکری تشیع در سه قرن نخستین*، ترجمه هاشم ایزدپناه، تهران، کویر، چ اول تا چ سوم، ۱۳۸۶.
۱۱۰. مشکور، محمد جواد، *فرهنگ فرق اسلامی*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.
۱۱۱. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، ج ۴- ۳، تهران، صدرا.
۱۱۲. مظفر، محمدحسین، *دلائل الصدق*، ج ۶، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، چ اول، ۱۴۲۲ ق.
۱۱۳. مظفر، محمدرضا (۱۳۸۳ق)، *السقیفه*، تحقیق محمود مظفر، قم، انصاریان، چ سوم، ۱۴۱۵ق.
۱۱۴. _____، *عقائد الامامیه*، تحقیق حامد حنفی، قم، انصاریان، چ دوازدهم، ۱۳۸۷.
۱۱۵. مغنیه، محمدجواد، *الشیعة فی المیزان*، بیروت، دارالتعاریف للمطبوعات، چ چهارم، ۱۳۹۹ق.
۱۱۶. المفید، محمد بن نعمان، *تصحیح اعتقادات الامامیه*، قم، المؤتمر العالمی للشیخ المفید، چ اول، ۱۴۱۳ ق.
۱۱۷. مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد، *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، القاهرة، مکتبة مدبولی، ط ثلثه، ۱۴۱۱ ق.

۱۱۸. المقدسی، مطهر بن طاهر، *البدء و التاريخ*، بورسعيد: مكتبة الثقافة الدينية، بی تا.
۱۱۹. مكارم الشيرازى، ناصر، *آيات الولاية فى القرآن*، قم، مدرسة الامام على بن ابى طالب عليه السلام، ط اولی، ۱۳۸۳.
۱۲۰. الموسوى اللكهنوى، السيد حامد حسين، *عقبات الانوار فى امامة الائمة الاطهار*، تحقیق و تلخیص و تقدیم: السيد على نورالدين الميلانى، تهران، مؤسسة البعثة، قسم الدراسات الاسلاميه، ۱۴۰۵ ق.
۱۲۱. موسوى زنجانى، سيد ابراهيم، *عقائد الامامية الاثنى عشرية*، ۳ ج، بيروت، مؤسسة الاعلمی، چ سوم، بی تا.
۱۲۲. الموسوى، هاشم، *التشيع، نشأته، معالمه*، بی جا، مركز الغدير للدراسات الاسلاميه، چ اول، ۱۴۱۴ ق / ۱۹۹۳ م.
۱۲۳. ناشناس، *اخبار الدولة العباسيه و فيه اخبار العباس و ولده*، تحقیق عبدالعزيز الدورى و عبدالجبار المطلبی، بيروت، دارالطلیعه، ۱۳۹۱ ق.
۱۲۴. نشار، على سامی، *نشأة الفكر الفلسفى فى الاسلام*، قاهره، دار المعارف، ۱۹۹۷ م.
۱۲۵. نعمه، عبدالله، *روح التشيع*، بيروت، دارالبلاغه، بی تا.
۱۲۶. النوبختی، ابو محمد حسن بن موسى، *فرق الشيعه*، تصحيح سيد محمدصادق آل بحر العلوم، النجف، المرتضويه، ۱۳۵۵ ق / ۱۹۳۶ م.
۱۲۷. نورى، محمد موسى، «ویژگی‌های جریان تشیع در عصر نبوی ص»، *شیعه‌شناسی*، سال پنجم، شماره ۱۷، بهار ۱۳۸۶، ص ۱۰۲ - ۷۰.
۱۲۸. نیک گهر، عبدالحسین، *مبانی جامعه‌شناسی و معرفی تحقیقات کلاسیک جامعه‌شناسی*، تهران، رایزن، ۱۳۶۹.
۱۲۹. نیومن، آندرو، دوره شکل‌گیری تشیع دوازده امامی: *گفتمان حدیثی میان قم و بغداد*، ترجمه مهدی ابوطالبی، محمدرضا امین و حسن شکراللهی، نقد قاسم جواد صفری، قم، شیعه‌شناسی، چ اول، ۱۳۸۶.
۱۳۰. هالم، هاینس، تشیع، ترجمه محمدتقی اکبری، قم، نشر ادیان، ۱۳۸۴.
۱۳۱. الوائلی، احمد، *هویه التشيع*، بيروت، دارالصفوه، ۱۴۱۴ ق.
۱۳۲. ولهاوزن، یولیوس، *الخوارج و الشيعه: المعارضة السياسية الدينية*، ترجمه و تقدیم: عبدالرحمن بدوی، قاهره، دار الجلیل للکتاب و النشر، ۱۹۹۸ م.
۱۳۳. یوسفیان، حسن، «نقدی بر یک کتاب»، *تاریخ در آینه پژوهش*، سال چهارم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۶، ص ۱۶۶ - ۱۴۹.

134. *Encyclopedia of Islam*, New Edition, V 3, Leiden, Brill, 1978.
135. <http://en.wikipedia.org/wiki/Typology>.
136. [http://en.wikipedia.org/wiki/Typology_\(theology\)](http://en.wikipedia.org/wiki/Typology_(theology)).
137. <http://toraath.com/index.php?name=Sections&req=listarticles&secid=7>
138. <http://toraath.com/index.php?name=Sections&req=listarticles&secid=4>
139. <http://toraath.com/index.php?name=Sections&req=viewarticle&artid=74&page=1>
140. <http://www.thefreedictionary.com/typology>.
141. Kohlberg, Etan, "Western Studies of Shi'a Islam", *Shi'ism Resistance and Revolution*, Edited by: Martin Kramer, London, Mansell, 1987, p 31-46.
142. Lewis, Bernard, "The Shi'a in Islamic History", *Shi'ism Resistance and Revolution*, Edited by: Martin Kramer, London, Mansell, 1987, p 21-30.